

باسمه تعالی

عواقب اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول (IMF)

در آمریکای جنوبی



اسفند ۱۳۹۸

## فهرست

- (۱) مقدمه: نسخه تجویزی صندوق برای کشورهای در حال توسعه ..... ۳
- (۲) تجربه اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در شیلی ..... ۷
- (۳) تجربه اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در آرژانتین ..... ۱۲
- (۴) تجربه اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در شیلی ..... ۲۲
- (۵) تحلیل اثرات اجرای برنامه تعدیل ساختاری در شیلی، آرژانتین و اکوادور ..... ۳۰
- (۶) دلالت‌های پژوهش برای اقتصاد ایران ..... ۳۴
- (۷) جمع بندی ..... ۳۸
- (۸) فهرست منابع ..... ۳۹

## ۱) مقدمه: نسخه تجویزی صندوق برای کشورهای در حال توسعه

امروزه بسیاری از کشورهای جهان که برای رشد و پیشرفت خود نیاز به منابع مالی دارند، برای تأمین این منابع به برخی از نهادهای مالی بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول متوسل می‌شود. صندوق نیز پرداخت وام را مشروط به اجرای سیاست‌های مدنظر خود از سوی کشور وام‌گیرنده می‌کند. کارشناسان مختلفی ادعا می‌کنند که سیاست‌های تجویز شده موجب رشد و توسعه کشورها می‌شود. اما اثبات این ادعا نیازمند بررسی تجربه کشورهای مختلف در این زمینه است.

در این گزارش ضمن مروری بر زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری صندوق بین‌المللی پول، به بررسی تجربه اجرای این سیاست‌ها در سه کشور آمریکای لاتین (شیلی، آرژانتین و اکوادور) می‌پردازیم.

### بیان مسئله و ضرورت پروژه

از زمان تأسیس صندوق بین‌المللی پول در دوران پس از جنگ جهانی دوم، این نهاد در ظاهر وظیفه تأمین مالی کشورهای بدهکار و برنامه‌های توسعه‌ای کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه را به عهده داشته است.

با وجود این بسیاری از کارشناسان اقتصادی و پولی معتقدند تقریباً در تمامی موارد، استقراض از صندوق بین‌المللی پول در نهایت به سود کشورها تمام نشده است؛ چراکه این صندوق بدون در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های حاکم بر محیط اقتصادی کشورها، سیاست‌های ناصحیح و یکسانی را به آن‌ها تحمیل کرده که عواقب نامطلوبی را در پی داشته است.

به طور خاص در طول سال‌های اخیر کشورهای آمریکای جنوبی از جمله مشتریان اصلی اجرای سیاست‌های نئولیبرالی پیشنهادی از سوی کارشناسان و اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول بوده‌اند؛ اما تقریباً در تمامی موارد، اجرای سیاست‌ها به نتایج بسیار نامطلوب و در نهایت اعتراضات خیابانی ختم شده است.

بررسی شیوه همکاری کشورها با صندوق بین‌المللی پول و سیاست‌های پیشنهادی این نهاد بین‌المللی به کشورها از این جهت برای ایران حائز اهمیت است که در طول سال‌های اخیر ایران نیز بارها با پیشنهادات اقتصادی این سازمان به منظور اصلاحات اقتصادی مواجه بوده است.

## مروری بر زمینه‌های تشکیل صندوق بین‌المللی پول

پس از وقوع رکود بزرگ ۱۹۳۹ در اروپا و آمریکا و همچنین خسارت‌های ناشی از جنگ جهانی دوم در کشورهای اروپایی، زمینه‌های طراحی نظام پولی جدید در جهان فراهم گردید. تا اینکه در سال ۱۹۴۴ در کنفرانسی به نام برتون وودز با توافق ۴۴ کشور مقرر شد دلار آمریکا با حفظ یک نسبت مشخص در برابر طلا به عنوان ارز مرجع در مبادلات تجاری و ذخایر ارزی کشورها تعیین شود و کشورهای مزبور نسبت به تثبیت پول ملی خود و دلار آمریکا متعهد شدند. اما در این میان مشکلی وجود داشت آن هم اینکه ارزش پول‌های ملی کشورهای مختلف در برابر دلار در معرض نوسانات مختلفی قرار داشت و لازم بود برای برقراری تعادل ارزی، حفظ نسبت پول‌های ملی با دلار و جلوگیری از سفته‌بازی در بازار ارز کشورهای مختلف فکری بشود. در این میان صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به منظور کنترل عملیات پولی جدید و کمک به تثبیت نرخ برابری پول‌های ملی کشورهای مختلف از طریق ارائه وام‌های بین‌المللی تشکیل شد. اگرچه این مسئله اصلی‌ترین دلیل تشکیل این نهاد است، اما اهداف دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که به اختصار بدان می‌پردازیم.

## اهداف صندوق بین‌المللی پول

اهداف این صندوق عبارت از اقدام برای شکوفایی همکاری‌های مالی بین‌المللی، ایجاد ثبات مالی، تسهیل تجارت بین‌المللی، کمک به افزایش اشتغال، کمک به رشد پایدار اقتصادی، و کاهش فقر در سراسر جهان است. صندوق سه فعالیت مشخص و مداوم انجام می‌دهد؛ پایش اقتصاد جهانی و اقتصاد کشورهای عضو، ارائه وام، ارائه کمک‌های عملی به اعضاء. این نهاد بین‌المللی به طور پیوسته نظام مالی بین‌المللی و سیاست‌های اقتصادی و پولی کشورهای عضو خود را بررسی می‌کند و ریسک‌های محتمل را شناسایی و برای رفع آنها اقدام می‌کند.<sup>۱</sup>

یکی از مهمترین وظایف صندوق بین‌المللی پول ارائه وام به کشورهایی است که توازن مالی آنها برهم خورده یا در آستانه برهم خوردن است. این کمک‌های مالی صرف بازسازی ذخایر بین‌المللی کشورها، ایجاد ثبات ارزی، ادامه واردات و پدید آوردن شرایط لازم برای ایجاد رشد اقتصادی قوی و پایدار می‌شود. اما نکته قابل توجه این است که پرداخت وام توسط صندوق بین‌المللی پول مشروط به اجرای سیاست‌هایی است که صندوق به آن کشور متقاضی وام توصیه می‌کند. این سیاست‌ها برای کشورهای در حال توسعه شامل سیاست تعدیل ساختاری است که در بخش بعد بدان می‌پردازیم.

<sup>1</sup> <https://www.mizanonline.com/fa/news/332426>

<sup>2</sup> <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3207125>

## تعدیل ساختاری؛ نسخه تجویزی صندوق برای کشورهای در حال توسعه

از دیدگاه نظری، برنامه تعدیل ساختاری مجموعه‌هایی از سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی است که با مذاکره میان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی و دولتی که نیازمند وام است، مورد توافق قرار می‌گیرد. ولی این مذاکره، مذاکره‌ای است بین دو طرف کاملاً نابرابر، زیرا حکومت جهان سوم در این مذاکره نه چیزی برای عرضه کردن دارد و نه می‌تواند به کس دیگری رجوع کند. ماهیت مشترک برنامه تعدیل در قاره‌های مختلف این دیدگاه را تقویت می‌کند که سیاست تعدیل را در واقع بانک و صندوق و نه کشورهای متقاضی وام، تنظیم و تدوین می‌کنند. تعدیل اقتصادی نوعی سیاست اقتصادی است که مبنای نظری آن به نئولیبرالیسم برمی‌گردد و سه هدف عمده را دنبال می‌کند: آزادسازی (در حوزه قیمت‌ها و موانع تجاری)، خصوصی‌سازی (در حوزه اموال دولتی)، مقررات زدایی. این اهداف در قالب سیاست‌هایی نظیر برنامه‌های ریاضتی و شوک درمانی در کشورهای مختلف اجرا شده‌اند.

هدف بلاواسطه سیاست تعدیل این است که کشورها نباید بیش از آنچه به خارج می‌فروشند از آنها خرید کنند و در ضمن درآمدشان تا حدی باشد که قادر به بازپرداخت بدهی‌های خود گردند. بنابراین کالاهای صادراتی بیشتری فروخته می‌شود، کالاهای خارجی کمتری وارد می‌شود و ارزش پول کشور کاهش می‌یابد تا با ارزان شدن کالاهای صادراتی، توان رقابتی آنها بیشتر شود.

مسائل عمده برنامه تعدیل عبارتند از تورم، نقش دولت و تجارت.

- تورم یا به عبارتی افزایش قیمت‌ها، همراه با کاهش قدرت خرید پول مشکل بسیار مهمی است. معمولاً با بالا نگاه داشتن نرخ بهره و محدود کردن مقدار اعتبارات می‌کوشند با تورم مقابله نمایند و مردم را به پس انداز بیشتر و مصرف کمتر تشویق کنند.
- نقش دولت: تعدیل ساختاری اقتضا می‌کند که هزینه‌های دولت‌ها برابر با سطح درآمدهای شان باشد (معمولاً با افزودن بر مالیات). هم‌چنین از دولت‌ها خواسته می‌شود نقش خویش را در اقتصاد کاهش بدهند تا راه برای کارایی بیشتر اقتصادی که ناشی از آزاد شدن بازار از قید کنترل دولت است، هموار شود. عملاً، این سیاست به معنای خصوصی‌سازی، لغو یارانه‌ها و حذف کنترل بر قیمت‌ها می‌باشد.

- افزایش تجارت: کشورهای جهان سوم به تجارت بیشتر در بازارهای بین‌المللی، خصوصاً صادرات محصولات سنتی و دارای ارزش افزوده پایین مانند قهوه، شکر و کاکائو تشویق می‌شود. در همین راستا، حذف موانع موجود بر سر واردات محصولات خارجی و دادن انگیزه‌های لازم از جمله بخشودگی مالیاتی، شرکت خارجی را به سرمایه‌گذاری در این زمینه ترغیب می‌کند.<sup>۳</sup>

---

<sup>۳</sup> مجموعه مقالات "جهانی کردن فقر و فلاکت"، گردآوری و ترجمه: دکتر احمد سیف، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۰، مقاله ششم

## ۲) تجربه اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در شیلی

دولت اتحاد مردمی آئنده در سال ۱۹۷۰ در شیلی حائز اکثریت آرا شد. هدف آئنده این بود که بخش‌هایی از اقتصاد را که تحت اداره شرکت‌های بزرگ داخلی یا خارجی است، تحت تملک دولت درآورد و به اصطلاح ملی کند. این سیاست بر خلاف رویه نئولیبرالیسم و تعدیل ساختاری بود. بنابراین کانون‌های فکری نزدیک به نئولیبرالیسم از جمله اساتید اقتصاد دانشگاه شیکاگو آمریکا مخالف این سیاست بودند.<sup>۴</sup>

دولت آئنده در سال ۱۹۷۳ با کودتای پینوشه سقوط کرد و پینوشه قدرت را در شیلی بدست گرفت. پس از آن، پینوشه نسبت به اجرای سیاست‌های بازار آزاد و تعدیل ساختاری روی خوش نشان داد و عنان اقتصاد شیلی را بدست پسران شیکاگو یا همان پیروان فکری فریدمن سپرد تا سیاست‌های مبتنی بر نئولیبرالیسم را در شیلی اجرا نمایند.

در این گزارش، نحوه اجرای سیاست تعدیل ساختاری و کمک‌های صندوق بین‌المللی پول به شیلی را در طی چند مرحله تشریح می‌کنیم:

### مرحله اول: ۱۹۸۲-۱۹۷۳؛ اجرای تعدیل ساختاری پس از کودتا و گرفتن اولین وام از صندوق

دولت پینوشه بلافاصله پس از تشکیل، اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری را در دستور کار خود قرار داد. دولت پینوشه در این دوره:

- ۱- بودجه خدمات رفاهی و اجتماعی دولت را ۱۰ درصد کاهش داد.
- ۲- کنترل دولت بر قیمت‌ها را لغو کرد.<sup>۵</sup>
- ۳- در راستای خصوصی سازی، اغلب شرکت‌های دولتی نظیر صنایع فولاد، کود شیمیایی و هواپیمایی را یا به قیمت‌های بسیار نازل به فروش رساند و یا به صاحبان قبلی شان عودت داد.
- ۴- صادرات و سرمایه‌گذاری را به طور فعالی تشویق کرد.
- ۵- نرخ ارز را آزاد کرد و از بازارهای سرمایه نیز کنترل زدایی نمود.
- ۶- قانون حداقل دستمزدها را حذف کرد و حقوق اتحادیه‌های تجاری را ملغی اعلام نمود.
- ۷- نظام پرداخت حقوق بازنشستگی، صنایع دولتی و بانک‌ها را خصوصی کرد.

<sup>۴</sup> دکترین شوک، تألیف: ناتومی کلاین، ترجمه مهرداد (خلیل) شهبانی، میر محمود نوی، انتشارات کتاب آمه، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶

<sup>۵</sup> همان، ص ۱۲۷

۸- مالیات بر ثروت و درآمد را کاهش داد.

بدین ترتیب شوک درمانی در سال ۱۹۷۵ و مجدداً در سال ۱۹۸۲ به اجرا درآمد.

### آثار مرحله اول:

۱- تورم به شدت رو به کاهش نهاد و از ۵۰٫۸ درصد در سال ۱۹۷۳ به ۲۰ درصد در سال ۱۹۸۲ رسید. کاهش دستمزدها و هزینه‌های

دولت و همچنین افزایش نرخ بهره از ۴۹٫۹٪ به ۱۷٫۸٪ از جمله عوامل تأثیرگذار بر کاهش تورم بوده است.

۲- درآمدهای صادراتی کشور افزایش یافت و از ۳٫۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ به ۸٫۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ رسید. این امر به علت

تأکید برنامه تعدیل ساختاری در شیلی بر حذف موانع تجاری، تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و بین‌المللی و تنوع تولیدات

صادرات بوده است.

۳- وابستگی شیلی به بخش معادن کاهش یافت. اگرچه سهم معادن در درآمدهای صادراتی از ۸۶ درصد در ۱۹۷۰ به ۵۴ درصد در

۱۹۹۰ کاهش یافت، ولی بخش عمده صادرات هم چنان مواد اولیه و با ارزش افزوده پایین است.<sup>۶</sup>

۴- نرخ سرانه واقعی تولید ناخالص ملی شیلی از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰، ۳۵ درصد رشد داشت. اما رشد اقتصادی در سال‌های ۱۹۷۵ و

۱۹۸۲ در اثر شوک درمانی به ترتیب ۱۲٫۹ درصد و ۱۴ درصد کاهش یافت<sup>۷</sup> و این به معنای وقوع دو رکود اقتصادی در دو دهه بود.

۵- نرخ بیکاری که در سال ۱۹۷۳ به میزان ۳/۴ درصد بود، در سال ۱۹۸۳ به ۳۳ درصد افزایش یافت و این در حالی بود که نرخ دستمزد

واقعی ۴۰ درصد کاهش یافت.<sup>۸</sup> آمار رسمی بیکاری در ۱۹۸۲ به بالاترین حد، یعنی، ۲۰ درصد رسید. البته اگر به خاطر برنامه‌های

اضطراری اشتغال‌آفرینی حکومت نظامی نبود که شدیداً نگران پیامدهای سیاسی بیکاری جدی بود، این رقم به ۳۰ درصد می‌رسید.

این برنامه‌ها موجب اشتغال موقت با دستمزدهایی کمتر از میزان حداقل گردید. طی این دوره، کاهش دستمزدها بسیار چشمگیر بود

که نه تنها نتیجه بالا بودن سطح بیکاری است، بلکه رشد صادرات نیز به این کاهش بستگی داشت.

در سال‌های ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، بیکاری بالا بود و کاهش قابل توجهی در دستمزد واقعی ایجاد شده بود. به خاطر سرکوب

منظم اتحادیه‌های کارگری در رژیم پینوشه، کارگران قادر به حمایت از منافع خویش نبودند

<sup>۶</sup> مجموعه مقالات "جهانی کردن فقر و فلاکت"، گردآوری و ترجمه: دکتر احمد سیف، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۰، مقاله دوازدهم: وام تعدیل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به شیلی

<sup>۷</sup> <https://www.isna.ir/news/8509-07734.48338>

<sup>۸</sup> مجموعه مقالات "جهانی کردن فقر و فلاکت"، گردآوری و ترجمه: دکتر احمد سیف، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۰، مقاله دوازدهم: وام تعدیل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به شیلی

<sup>۹</sup> <https://www.isna.ir/news/8509-07734.48338>



۶- میزان بدهی‌های شیلی افزایش یافت. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰ شیلی مقدار قابل توجهی بدهی خارجی بالا آورده بود. شرکت‌های چند شاخه‌ای مالی و صنعتی جدید در نتیجه اعتبارات سیل وار خارجی که از اعتبارات داخلی ارزان تر بودند، رونق یافتند. با دسترسی آسان به منابع مالی خارجی، نخبگان جدید توانستند ثروت را در اختیار عناصر معدودی متمرکز نمایند. در نتیجه بدهی خارجی نیز به شدت افزایش یافت. بدهی خارجی بخش خصوصی که در ۱۹۷۸، ۱٫۶ میلیارد دلار بود، در ۱۹۸۱ به ۸٫۱ میلیارد دلار افزایش یافت.

در سال ۱۹۸۲ بانک اقتصاد ترکیه بحران مالی با رشد متمرکز ثروت، تنزل قیمت مس و مدیریت ضعیف در کنترل نرخ ارز تشدید شد. اگرچه دولت ضامن این بدهی‌ها نبود، ولی به طور یک جانبه تصمیم گرفت که مسئولیت بازپرداخت بدهی‌های بخش خصوصی را که در ۱۹۸۱، ۶۵ درصد از کل بدهی‌ها را تشکیل می‌داد، تقبل نماید. در جریان این قحطی اعتبار بود که شیلی به صندوق بین‌المللی پول رو آورد.

۷- شکاف طبقاتی افزایش یافت. در سال ۱۹۷۸، سهم ده درصد از ثروتمندترین اقشار جمعیت، ۳۷ درصد از درآمد ملی بود و ۵۰ درصد از فقیرترین بخش‌های جمعیت نیز ۲۰ درصد از درآمدهای ملی را در اختیار داشتند. در ۱۹۸۸، سهم ده درصد از غنی‌ترین اقشار به ۴۷ درصد درآمدها می‌رسید، ولی سهم ۵۰ درصد از فقیرترین بخش‌ها به ۱۷ درصد کاهش یافت.

الگوهای مصرف جامعه نیز بر همین منوال تغییر کرد. در سال ۱۹۶۹، ۲۰ درصد از فقیرترین اقشار جمعیت، ۷/۶ درصد از تولیدات را مصرف کردند، اما این آمار در سال ۱۹۸۸ به ۴٫۴ درصد تنزل یافت. در عوض سهم ثروتمندان از تولیدات از ۴۴٫۵ درصد به ۵۴٫۶ درصد در همین دوره افزایش یافت.

۸- فقر افزایش یافت. در این دوره بیش از ۴۰ درصد از جمعیت ۱۴ میلیونی شیلی در فقر زندگی می‌کردند و دو میلیون با فقر شدیدی روبرو بودند.<sup>۱۰</sup>

اگرچه، در اواسط دهه ۱۹۸۰، اقتصاد شیلی الگوی رشد هم‌خوانی داشت، ولی تنها تعداد اندکی از نتایج آن بهره‌مند شدند. در واقع با اینکه منافع ناشی از شوک درمانی نصیب همگان نشد، اما شیلیایی‌ها برای این نوع درمان هزینه بالایی پرداختند.

<sup>۱۰</sup> مجموعه مقالات "جهانی کردن فقر و فلاکت"، گردآوری و ترجمه: دکتر احمد سیف، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۰، مقاله دوازدهم: وام تعدیل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به شیلی

## مرحله دوم: ۱۹۸۳-۱۹۸۹؛ وام مجدد صندوق بین‌المللی پول به شیلی

صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۸۳ به سرعت پرداخت یک وام موقتی ۵۰۰ میلیون دلاری را به شیلی تصویب کرد<sup>۱</sup> و به علاوه یک وام ۳۰۷ میلیون دلاری دیگر تحت عنوان وام امکانات جبرانی مالی در اختیار شیلی قرار داد. علت آن بود که شیلی با اشتیاق تمام سیاست‌های در خواستی خود را برای این نوع وام‌ها به اجرا در آورده بود. برنامه صندوق بین‌المللی پول برای شیلی در سال ۱۹۸۳ یک برنامه اضطراری کوتاه مدت بود. مقامات شیلیایی ضمن آزادسازی نرخ ارز، سیاست‌های سختی را برای کنترل تقاضا در اقتصاد از جمله حذف تعدیل مزدها در نتیجه تورم و کاستن از حداقل مزد به اجرا در آوردند و اقدامات بیشتری را در راستای خصوصی سازی آموزش و بهداشت انجام دادند.

صندوق بین‌المللی پول همچنین در سال ۱۹۸۵ مبلغ ۸۲۵ میلیون دلار دیگر به شیلی اختصاص داد. کنترل مزد و انتقال هزینه‌ها از خدمات اجتماعی به پروژه‌های زیرساختی از شرایط وام تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول سال ۱۹۸۵ بود.

## آثار مرحله دوم:

۱- در اثر خصوصی سازی آموزش و بهداشت، کیفیت زندگی فقرا بسیار وخیم تر شد. افراد شاغل می‌توانستند ۷ درصد از حقوق خود را برای بهداشت عمومی یا خصوصی بپردازد. ثروتمندان این پول را در برنامه‌های بهداشت خصوصی صرف می‌کنند، ولی فقرا باید هم چنان به خدمات بهداشتی عمومی که روزه روز ضعیف تر می‌شود، تکیه کنند.

۲- بدهی خارجی شیلی همچنان افزایش یافت و در سال ۱۹۸۷ از مرز ۲۱ میلیارد دلار گذشت.<sup>۱۳</sup>

## مرحله سوم: ۱۹۸۹-۱۹۹۰؛ درخواست مجدد شیلی از صندوق بین‌المللی پول برای اعطای وام

وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی شیلی در مرحله دوم باعث شد این کشور بار دیگر درخواست دریافت وام از صندوق بین‌المللی پول نماید. در سال ۱۹۸۹ صندوق بین‌المللی پول تخصیص ۶۴ میلیون دلار به شیلی را تصویب نمود.<sup>۱۴</sup> کمک‌های مالی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به شیلی امکان داد تا استراتژی‌هایی را به اجرا درآورد که باعث کاهش بدهی می‌شد. در سال ۱۹۸۹، بدهی خارجی ۳ میلیارد دلار کاهش یافت. دولت از ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ بخش قابل توجهی از بدهی‌ها را با در پیش گرفتن برنامه دادن سهام به ازای طلب حذف نمود. در

<sup>۱</sup> <https://www.imf.org/external/np/fin/tad/extarr2.aspx?memberkey1=170&date1Key=2019-01-31>

<sup>۱۲</sup> همان

<sup>۱۳</sup> مجموعه مقالات "جهانی کردن فقر و فلاکت"، گردآوری و ترجمه: دکتر احمد سیف، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۰، مقاله دوازدهم: وام تعدیل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به شیلی

<sup>۱۴</sup> <https://www.imf.org/external/np/fin/tad/extarr2.aspx?memberkey1=170&date1Key=2019-01-31>

عوض، کمپانی‌های خارجی طلبکار امکانات قابل توجهی در بخش زمین و معادن شیلی پیدا کردند. شیلی با تأیید و حمایت صندوق بین‌المللی پول توانست از فشار بدهی‌های کوتاه مدت بکاهد. در نتیجه ۱۲ میلیارد دلار از این نوع بدهی‌ها در ۱۹۸۷ و ۱٫۸ میلیارد دلار دیگر در ۱۹۹۰ استمهال شد. به علاوه، بانک‌های تجاری پس از تصمیم بانک‌های آمریکایی مبنی بر بالا بردن اعتبار شیلی، اعتبارات جدیدی اعطا کرد. اما هیچ کدام از این سیاست‌ها مشکل بدهی شیلی را به طور جدی و اساسی حل نکرده است.

پس از کناره‌گیری پینوشه از قدرت در سال ۱۹۹۰ دولت‌های بعدی نسبت به اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری تجدید نظر کردند. برای حمایت از گروه‌های با درآمد پایین، سهم هزینه‌های اجتماعی دولت افزایش یافت و اصلاحات مالیاتی موجب افزایش درآمد مالیاتی شد. در سال ۱۹۹۰ قانون کار با هدف اتحادیه‌های مشروع به منظور تعادل در قدرت چانه‌زنی کارفرمایان و کارمندان اصلاح شد. همچنین در سال ۱۹۹۰ توافق نامه سه جانبه بین دولت، اتحادیه‌ها و کارفرمایان افزایش حداقل دستمزد واقعی ۲۸٪ تا سال ۱۹۹۳ را پیش بینی کرد. در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ موفقیت چشمگیری در کاهش فقر و کمی توزیع عادلانه تر درآمد حاصل شد. بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول، آخرین وامی که شیلی از این صندوق دریافت داشته است، مربوط به سال ۱۹۸۹ یعنی آخرین سال حکومت پینوشه بوده است.<sup>۱۵</sup>

### مرحله چهارم: ۲۰۱۰-۲۰۲۰؛ بازگشت به نئولیبرالیسم و تعدیل ساختاری

سباستین پینیه‌را، رئیس جمهور نئولیبرال شیلی، یکبار در سال ۲۰۱۰ و بار دیگر در سال ۲۰۱۸ در شیلی به قدرت رسید. دوران ریاست جمهوری او -به ویژه دوره دوم- به نوعی بازگشت به سیاست‌های نئولیبرالی در شیلی بود. کاهش هزینه‌های اجتماعی، کاهش یارانه‌ها و آزادسازی قیمت خدمات عمومی نظیر حمل و نقل از جمله اقداماتی بود که پینیه‌را در راستای آزادسازی اقتصادی انجام داد. این اقدامات موجب کاهش رفاه اجتماعی و بروز اعتراضات مردمی علیه دولت در شیلی شد که همچنان این اعتراضات در شیلی ادامه دارد. دستمزدهای پایین، هزینه‌های بالای بخش آموزش و بهداشت و افزایش شکاف طبقاتی از جمله مواردی است که در ماه‌های اخیر موجب اعتراض مردم شیلی علیه دولت شده است.<sup>۱۷</sup>

کاهش رفاه اجتماعی و اعتراضات مردمی که ناشی از سیاست‌های نئولیبرالی دولت پینیه‌راست، خود نشانه‌ای از ناموفق بودن این سیاست‌ها در شیلی است.

<sup>۱۵</sup> مجموعه مقالات "جهانی کردن فقر و فلاکت"، گردآوری و ترجمه: دکتر احمد سیف، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۰، مقاله دوازدهم: وام تعدیل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به شیلی

<sup>۱</sup> "Chile: An Overview", congressional research service, Updated January 2, 2020.

<https://fas.org/sgp/crs/row/IF10880.pdf>

<sup>۱</sup> <https://www.irna.ir/news/83685970>

### ۳) تجربه اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در آرژانتین

دولت سوسیالیست آرژانتین از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۱ اقداماتی نظیر سیاست جایگزینی واردات، سرمایه‌گذاری ویژه در زیرساخت‌ها، ملی کردن برخی از صنایع مانند هواپیمایی منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری صنعتی در بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی گسترده از جمله در بخش بهداشت و درمان<sup>۸</sup> را اجرا کرد. البته به علت واردات شدید کالاهای سرمایه‌ای در این دوره و تحریم‌های آمریکا علیه این دولت، آرژانتین با کاهش ارزش پول ملی و افزایش تورم در سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱ روبرو شد. دولت در این دوره مخالف وام گرفتن از بازارهای اعتباری خارجی بود و ترجیح می‌داد اوراق قرضه داخلی را در داخل کشور شناور کند. وی از ورود به توافق نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت (سازمان تجارت جهانی) یا صندوق بین‌المللی پول خودداری کرد. برخی از طرفداران مکتب نئولیبرالیسم، این دولت را یک دولت پوپولیست می‌دانند. از دیدگاه منتقدین دولت، ملی‌سازی پروژه‌های بزرگ و اعطای یارانه (هزینه‌های اجتماعی) در زمان پرون موجب ایجاد کسری بودجه در آرژانتین شده و دولت بعد از خود را در اداره کشور با مشکل مواجه کرده است. تورم نیز از جمله مشکلاتی بود که از سیاست‌های این دولت ناشی شده بود.

در سال ۱۹۵۵ کودتایی در آرژانتین انجام گرفت که منجر به سقوط دولت مستقر شد. پس از کودتا اگرچه برخی از برنامه‌های دولت قبل در سرمایه‌گذاری در توسعه صنعتی را ادامه داد، اما آلسوگاری وزیر اقتصاد که از طرفداران اصلی لیبرالیسم در آرژانتین بود، در سال ۱۹۵۸ موفق شد رئیس دولت را نسبت به اجرای برنامه "شوک درمانی" در اقتصاد متقاعد سازد و این نقطه شروع اجرای سیاست تعدیل ساختاری در آرژانتین و ارتباط گیری با صندوق بین‌المللی پول بود.<sup>۹</sup> بر همین اساس، تاریخچه ارتباط گیری آرژانتین با صندوق بین‌المللی پول و اجرای برنامه تعدیل ساختاری را به چند مرحله تقسیم می‌نماییم:

#### مرحله اول: ۱۹۵۹؛ پرداخت اولین وام از سوی IMF

برنامه شوک درمانی آلسوگاری مشتمل بر چند سیاست ریاضتی بود از جمله:

۱- آزاد سازی نرخ ارز

۲- کاهش اعطای وام از طریق کنترل بانک‌های عمومی

<sup>1</sup> <http://juventudperonista.obolog.es/biografia-ramon-carrillo%30512>

<sup>1</sup> <http://www.todo-argentina.net/historia/civmil/frondizi/index.htm>

۳- کاهش یارانه ها و سایر هزینه های اجتماعی<sup>۲۰</sup>

بر این اساس، صندوق بین‌المللی پول اولین وام تعدیل ساختاری را در سال ۱۹۵۹ به مبلغ ۴۲,۵ میلیون دلار به آرژانتین تزریق نمود.<sup>۲۲</sup>

### آثار مرحله اول:

آثار تعدیل ساختاری در آرژانتین به سرعت نمایانگر شد که به اختصار بدان اشاره می‌نماییم:

۱- کاهش ارزش پول: از طرفی منجر به تسهیل صادرات کالاهای آرژانتینی شد و موجب افزایش درآمد و بهبود وضع صادرکنندگان شد، اما از طرف دیگر موجب کاهش قدرت خرید مردم شد و اثرات رفاهی سوئی را بر عموم جامعه تحمیل نمود. در سال ۱۹۵۹ قیمت مصرف‌کنندگان دو برابر شد.

۲- در راستای کاهش هزینه‌های اجتماعی و سوق دادن آنها به سمت صادرات، دستمزد واقعی در سال ۱۹۵۹ حدود ۲۰٪ کاهش یافت. این مسئله در کنار آزادسازی نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی، شکاف طبقاتی میان صادرکنندگان و طبقات دیگر را در جامعه افزایش داد.

۳- رکود اقتصادی سال ۱۹۵۹ نیز از جمله اولین پیامدهای اجرای سیاست تعدیل ساختاری بود.

پس از آنکه اولین اثرات اجرای این برنامه به سرعت در آرژانتین پدیدار شد، دولت مجبور به تغییر در برخی از این سیاست‌ها شد. از جمله اینکه برخی از هزینه‌ها و برنامه‌های عام‌المنفعه و اجتماعی مجدداً احیا شدند، صادرات کشاورزی افزایش یافت و برخی از صنایع مانند خودروسازی به خودکفایی رسیدند.<sup>۲۳</sup>

### مرحله دوم: ۱۹۶۶-۱۹۶۸

پس از کودتای سال ۱۹۶۶، وزارت اقتصاد آرژانتین با هدف افزایش بهره‌وری، رقابت‌پذیری و رشد سرمایه‌گذاری خارجی، اجرای چند برنامه را در دستور کار خود قرار داد از جمله:

۱- افزایش تمرکز سرمایه

<sup>۲۰</sup> همان

<sup>۲</sup> <https://www.pagina12.com.ar/diario/elpais/1-49222-2005-04-02.html>

<sup>۲</sup> <https://www.imf.org/external/np/fin/tad/extarr2.aspx?memberKey1=30&date1key=2019-06-30>

<sup>۲</sup> <http://www1.hcdn.gov.ar/proyxml/expediente.asp?fundamentos=si&numexp=2249-D-2007>

۲- خصوصی سازی بسیاری از بخش های مهم اقتصادی

۳- کاهش تورم از طریق کنترل دستمزد ها<sup>۲۴</sup>

اجرای این برنامه ها به معنای تداوم و تسریع اجرای سیاست تعدیل ساختاری در این کشور بود. بدین ترتیب نهادهای مالی بین المللی از جمله صندوق بین المللی پول از این برنامه حمایت کردند.

### آثار مرحله دوم:

اجرای این برنامه ها در این دوره آثاری داشت از جمله:

۱- در این دوره تورم به شدت کاهش یافت و از نرخ سالانه حدود ۳۰٪ در سالهای ۶۷-۱۹۶۵ به ۷٫۶٪ در سال ۱۹۶۹ رسید. البته این کاهش تورم به دلایلی که بدان می پردازیم، دیری نپایید.

۲- تولید ناخالص داخلی نیز با نرخ رشد متوسط سالانه ۵٫۲٪ بین سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ در مقایسه با ۳٫۲٪ در طول دهه ۵۰ افزایش یافت.<sup>۲۵</sup>

### مرحله سوم: ۱۹۶۸-۱۹۷۵

در این مرحله ارتش آرژانتین اعلام کرد بدنبال لغو جایگزینی واردات، لغو موانع حمایت گرایانه و باز کردن راه اقتصاد به سوی بازار جهانی است. این سیاست جدید باعث افزایش صادرات برخی از کالاها شد، اما واردات برخی از کالاها همچنان به صرفه و ارزان بود و این عامل، مانعی بر سر راه سیاست توسعه صادرات بود. بنابراین وزارت اقتصاد ارزش پزو را به میزان ۳۰٪ کاهش داد.<sup>۲۷</sup>

### آثار مرحله سوم:

به دنبال آزادسازی نرخ ارز، قدرت خرید شهروندان آرژانتینی کاهش یافت. به علت کاهش ارزش پول، مقامات دیگر قادر به حفظ محدودیت دستمزدی نبودند و در نتیجه اقتصاد به ماریپج قیمت دستمزد دچار شد. همچنین سیاست های ضد تورمی دولت در دوره دوم تعدیل ساختاری ارزش خود را از دست داد و تورم مجدداً رو به افزایش نهاد.<sup>۲۸</sup>

<sup>2</sup> [http://www.pbs.org/wgbh/commandingheights/lo/countries/ar/ar\\_economic.html](http://www.pbs.org/wgbh/commandingheights/lo/countries/ar/ar_economic.html)

<sup>2</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?locations=AR>

<sup>2</sup> [http://www.pbs.org/wgbh/commandingheights/lo/countries/ar/ar\\_trade.html](http://www.pbs.org/wgbh/commandingheights/lo/countries/ar/ar_trade.html)

<sup>2</sup> [http://www.pbs.org/wgbh/commandingheights/lo/countries/ar/ar\\_money.html](http://www.pbs.org/wgbh/commandingheights/lo/countries/ar/ar_money.html)

در ماه مه ۱۹۶۹ عدم رضایت از سیاست‌های اقتصادی منجر به شورش در شهرهای کورنتس، روزاریو و کوردوبا شد. وزیر اقتصاد عزل شد، اما دولت نتوانست در مورد سیاست اقتصادی جایگزین توافق کند.<sup>۲۹</sup>

بین سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۹۰ درآمد سرانه واقعی بیش از ۲۰٪ کاهش یافت و تقریباً سه دهه از توسعه اقتصادی را از بین برد. تولید صنعتی که تا اواسط دهه ۱۹۷۰ دوره رشد بی وقفه را تجربه کرده بود، روند نزولی مداوم را آغاز کرد. در نتیجه در این دوره شاهد یک رکود اقتصادی جدی هستیم.

### مرحله چهارم: ۱۹۷۸-۱۹۸۲

با تغییر دولت در سال ۱۹۷۵، انجام برخی اصلاحات مالی در سال ۱۹۷۶ در دستور کار دولت جدید قرار گرفت که هدف آن آزادسازی بازارهای سرمایه و پیوند مؤثرتر آرژانتین با بازار سرمایه جهانی بود. در نتیجه این اصلاحات مالی، در سال ۱۹۷۷ حدود ۱۶۰ میلیون دلار اعتبار از صندوق بین‌المللی پول به آرژانتین تعلق گرفت.<sup>۳۱</sup>

### آثار مرحله چهارم:

- ۱- افزایش بدهی خارجی: در سال ۱۹۷۸ کسری مالی دوباره شروع به صعود کرد و بدهی خارجی در سه سال سه برابر شد.<sup>۳۲</sup> افزایش بار بدهی موجب ایجاد اختلال در روند توسعه صنعتی و تحرک اجتماعی رو به رشد شد.
- ۲- افزایش تورم: رشد مخارج دولت، افزایش دستمزدهای بزرگ و تولید ناکارآمد نیز در کنار آثار ناشی از افزایش بدهی خارجی باعث ایجاد تورم مزمن شد. در بازه سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۱ نرخ تورم به طور متوسط به بیش از ۳۰۰٪ در سال رسید.<sup>۳۳</sup>
- ۳- افزایش نابرابری و شکاف طبقاتی: دولت‌های متوالی سعی داشتند تورم را با کنترل دستمزدها و قیمت‌ها، کاهش در هزینه‌های عمومی و محدود کردن عرضه پول کنترل کنند<sup>۳۴</sup> که این اقدامات نیز در راستای اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری بود و به نوبه خود موجب افزایش شکاف طبقاتی در آرژانتین شد.

<sup>2</sup> <http://docubib.uc3m.es/WORKINGPAPERS/WH/wh046705.pdf>

<sup>2</sup> <https://www.britannica.com/place/Argentina/Military-government-1966-73>

<sup>3</sup> "The Great Unraveling: Argentina 1973-1991", p.5,<sup>0</sup>

<https://ucema.edu.ar/conferencias/download/Klaus1.pdf>

<sup>3</sup> <https://www.imf.org/external/np/fin/tad/extarr2.aspx?memberKey1=30&date1key=2019-06-30>

<sup>3</sup> [http://www.fondad.org/product\\_books/pdf\\_download/9/Fondad-Argentina-BookComplete.pdf](http://www.fondad.org/product_books/pdf_download/9/Fondad-Argentina-BookComplete.pdf)

<sup>3</sup> "The Great Unraveling: Argentina 1973-1991", p.11,<sup>3</sup>

<https://ucema.edu.ar/conferencias/download/Klaus1.pdf>

این پیامد ها در مجموع موجب شد دولت آرژانتین در سال ۱۹۸۲ از صندوق بین‌المللی پول تقاضای کمک نماید.

### مرحله پنجم: ۱۹۸۳-۱۹۸۸

تیمی از صندوق بین‌المللی پول که در آگوست ۱۹۸۳ از بوئنوس آیرس بازدید نمود، اعلام کرد که برخی از مشکلات ویژه مانند از دست دادن کنترل دستمزدها که هم بر بودجه و هم بر رقابت خارجی تأثیر گذاشته است، موجب شکست برنامه های صندوق شده است و لازم است که برنامه جدیدی در این شرایط به آرژانتین ارائه شود. در همان سال مذاکرات درباره برنامه جدید با صندوق بین‌المللی پول آغاز شد، اما به نتیجه نرسید. در مارس ۱۹۸۴ برزیل، کلمبیا، مکزیک و ونزوئلا به مدت سه ماه ۳۰۰ میلیون دلار به آرژانتین قرض دادند و در پی آن نیز مبلغ مشابهی از سوی ایالات متحده به آرژانتین پرداخت شد. این امر فضای تنفس را تا حدودی برای آرژانتین فراهم کرد. اما در سال ۱۹۸۶ آرژانتین نتوانست بدهی های خود را برای چند ماه پردازد. در نتیجه توافق جدید صندوق بین‌المللی پول که در ژوئیه ۱۹۸۷ حاصل شد، در مارس ۱۹۸۸ فرو ریخت.<sup>۳۵</sup>

بنابراین در این دوره با وجود تلاش های دولت آرژانتین برای توافق با صندوق بین‌المللی پول و دریافت وام از آن، این تلاش ها نتیجه قابل توجهی نداشت و اقتصاد آرژانتین در همان مسیر سابق به حرکت خود ادامه داد و به علت ناتوانی در بازپرداخت وام های دریافتی در سال ۱۹۸۴ با افزایش بدهی خارجی روبرو شد.

### مرحله ششم: ۱۹۹۰-۱۹۹۹؛ نقطه عطف اجرای تعدیل ساختاری در آرژانتین

پرونیست کارلوس منم در ماه مه ۱۹۸۹ به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. وی با توجه به کسری بودجه دولت که ۱۶٪ از تولید ناخالص داخلی را شامل می شد، بلافاصله یک برنامه شوک جدید اعلام کرد. این برنامه شامل یک تعدیل مالی جدید و اقداماتی برای کاهش کسری بودجه دولت می شد. از جمله این اقدامات می توان به کاهش هزینه های اجتماعی دولت و استقلال بیشتر بانک مرکزی اشاره کرد. در نوامبر ۱۹۸۹ توافق نامه دیگری با صندوق بین‌المللی پول توافق حاصل شد، اما دوباره این توافق زودرس به دلیل موانع سیاسی به پایان رسید.<sup>۳۶</sup>

<sup>3</sup> <https://www.britannica.com/place/Argentina/Economy> <sup>4</sup>

<sup>3</sup> The Crisis that Was Not Prevented: Lessons for Argentina, the IMF, and Globalisation, p. 102,

<http://fondad.org/publications/argentina.html>



منم مصمم بود سیاست تعدیل ساختاری را در قالب برنامه شوک خود ادامه دهد. پس از فروپاشی بنگاه‌های دولتی در اواخر دهه ۱۹۸۰، خصوصی‌سازی به شدت افزایش یافت. ۷۹ سال ۱۹۹۱ وزیر اقتصاد تصمیم گرفت که از طریق اصلاحات بازار آزاد مانند تجارت آزاد از سقوط اقتصاد آرژانتین جلوگیری نماید. در ۱ ژانویه سال ۱۹۹۲ یک اصلاحات پولی انجام گرفت و که نتیجه آن کاهش بیشتر ارزش پول ملی بود.

## آثار مرحله ششم:

۱- افزایش صادرات: در اثر اجرای سیاست‌های مبتنی بر تجارت آزاد، صادرات آرژانتین تا سال ۱۹۹۹ افزایش یافت و سهم خالص صادرات در تولید ناخالص داخلی به ۲۴٪ رسید.<sup>۳۸</sup>

۲- رکود اقتصادی: با وجود رشد صادرات برخی از کالاها، بسیاری از صنایع به ویژه پس از کاهش ارزش پول ملی برزیل همچنان نتوانستند در خارج از کشور رقابت کنند. در نتیجه آرژانتین در نیمه دوم سال ۱۹۹۸ به رکود عمیق سقوط کرد.

۳- افزایش نرخ تورم: نرخ تورم در این دوره بدنبال رکود اقتصادی، کاهش دستمزدها و افزایش بیکاری افزایش یافت. متوسط نرخ تورم که در بازه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۴ حدود ۲۴,۳٪ بود، در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰ به ۹۴,۷٪ رسید.<sup>۳۹</sup>

۴- افزایش بدهی خارجی: نسبت بدهی خارجی به صادرات آرژانتین افزایش یافت و تا سال ۱۹۹۹ به حدود ۵۰۰ درصد رسید. این بدان معنا بود که لازم بود حدود ۴۰ درصد از درآمد حاصل از صادرات آرژانتین برای پرداخت بهره وام‌های خارجی این کشور استفاده شود.<sup>۴۰</sup>

۵- افزایش نابرابری و شکاف طبقاتی: از نظر توزیع درآمد نیز در این دوره وضع وخیم‌تر شد. ضریب جینی که در سال ۱۹۹۳ کمتر از ۰,۴۵ بود، در سال ۱۹۹۹ به عدد ۴۹,۸ افزایش یافت که به معنای افزایش فاصله طبقاتی در اثر کاهش دستمزدها، کاهش ارزش پول ملی و تمرکز ثروت در شرکت‌هایی بود که از رشد صادرات در آرژانتین منتفع شده بودند.<sup>۴۱</sup>

<sup>3</sup> "Culture and Social Resistance to Reform: A theory about the endogeneity of public beliefs with an application to the case of Argentina", p.4,

<https://ucema.edu.ar/publicaciones/download/documentos/275.pdf>

<sup>3</sup> The Crisis that Was Not Prevented: Lessons for Argentina, the IMF, and Globalisation, p. 51,

<http://fondad.org/publications/argentina.html>

<sup>۳۹</sup> همان، ص ۴۱

<sup>۴۰</sup> همان، ص ۱۱۷

<sup>4</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI?locations=AR> <sup>1</sup>

## مرحله هفتم: ۱۹۹۹-۲۰۰۱؛ بحران اقتصادی، زمینه ساز تقاضای مجدد وام از صندوق

برنامه شوک منم در مرحله ششم موجب ایجاد یک بحران اقتصادی در سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۲ شد.

در دسامبر سال ۱۹۹۹ فرناندو دولارویا به ریاست جمهوری رسید و پس از مدت کوتاهی برای حل بحران ایجاد شده از جمله رکود، از صندوق بین‌المللی پول کمک خواست. در مارس ۲۰۰۰، صندوق بین‌المللی پول با یک توافق سه ساله ۷,۲ میلیارد دلاری با آرژانتین موافقت کرد که این امر مشروط بر این بود که دولت آرژانتین سیاست تعدیل مالی را به طور دقیق اجرا نماید و رشد ۳,۵٪ تولید ناخالص داخلی را در سال ۲۰۰۰ رقم بزند. (رشد واقعی ۰,۵٪ بود).<sup>۴۲</sup>

اما در اواخر سال ۲۰۰۰ دولت آرژانتین دسترسی شدید به بازارهای سرمایه را کاهش داد و از برنامه پشتیبانی شده توسط صندوق بین‌المللی پول تبعیت نکرد. صندوق بین‌المللی پول نیز تصمیم گرفت که پرداخت‌ها را متوقف کند. بدهی آرژانتین که بیشتر در اوراق قرضه نگهداری می‌شود، به شکل انبوه به فروش می‌رسید و دولت خود را قادر به وام گرفتن یا پرداخت بدهی نمی‌دانست.

### آثار مرحله هفتم:

شروط صندوق بین‌المللی پول در این دوره در آرژانتین محقق نشد، اما به دلیل تداوم اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری، وضعیت اقتصادی همچنان رو به وخامت می‌رفت. در سال ۲۰۰۱ در شرایط ناآرامی شدید سیاسی و اجتماعی، کشور تا حدودی از تعهدات بین‌المللی خود غافل شد. آثار این مرحله عبارت‌اند از:

- ۱- رکود اقتصادی: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی که از سال ۱۹۹۸ روند نزولی به خود گرفته است، در سال ۱۹۹۹ به ۳,۴-٪ و در سال ۲۰۰۲ به کمترین مقدار خود یعنی ۱۰,۹-٪ کاهش یافت.<sup>۴۳</sup>
- ۲- کاهش ارزش پول ملی: پیروی آرژانتین سه چهارم ارزش خود را از دست داد.
- ۳- افزایش بیکاری: نرخ بیکاری ثبت شده از ۲۵ درصد فراتر رفت.
- ۴- افزایش نرخ فقر: در سال ۲۰۰۱ با افزایش نرخ فقر، بیش از نیمی از مردم آرژانتین زیر خط فقر قرار گرفتند.<sup>۴۴</sup>

<sup>4</sup> <https://www.everycrsreport.com/reports/RS21130.html> 2

<sup>4</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?locations=AR>

<sup>4</sup> The Great Unraveling: Argentina 1973-1991", p.1, 4

## مرحله هشتم: ۲۰۰۵: تلاش برای بازپرداخت بدهی صندوق پس از خروج از رکود

از سال ۲۰۰۲ دولت‌هایی که در آرژانتین بر سر کار آمدند، سیاست‌هایی متفاوت با شروط صندوق بین‌المللی پول در دستور کار خود قرار دادند. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به تثبیت قیمت‌ها و نرخ ارز، وضع مالیات بر صادرات و واردات و ملی کردن برخی از صنایع اشاره کرد. در نتیجه رشد از سر گرفته شد؛

در دسامبر ۲۰۰۵ دولت تصمیم گرفت تا بدهی آرژانتین به صندوق بین‌المللی پول را به مبلغ ۸٫۹ میلیارد دلار بازپرداخت کند. این پرداخت تا حدودی توسط ونزوئلا تأمین شد که اوراق قرضه آرژانتین را با ۱٫۶ میلیارد دلار خریداری کرد.<sup>۴۵</sup> از اواسط سال ۲۰۰۸ ونزوئلا ۶ میلیارد دلار بدهی آرژانتین را در اختیار دارد.<sup>۴۶</sup>

### آثار مرحله هشتم:

- ۱- افزایش رشد اقتصادی: رشد تولید ناخالص داخلی آرژانتین از حدود ۱۱- درصد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۹ درصد در سال ۲۰۰۳ رسید.<sup>۴۷</sup> این امر تا حدودی به دلیل رونق قیمت کالاها حاصل شد.
- ۲- ثبات نسبی در نرخ تورم: در این دوره به علت کنترل دولت بر بازار پول و سرمایه، جلوگیری از نوسانات پولی و بهبود وضعیت بدهی خارجی آرژانتین، نوسانات نرخ تورم نیز کاهش پیدا کرد. نرخ تورم از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ به طور متوسط سالانه حدود ۱ درصد افزایش داشته است.<sup>۴۸</sup>
- ۳- کاهش فاصله طبقاتی و بهبود توزیع درآمد: ضریب جینی که در سال ۲۰۰۵ حدود ۰٫۴۸ بوده است، در سال ۲۰۰۹ به ۰٫۴۴ کاهش یافته<sup>۴۹</sup> که به معنای بهبود وضعیت توزیع درآمد در این دوره است.

<https://ucema.edu.ar/conferencias/download/Klaus1.pdf>

<sup>4</sup> <https://plink.ir/s9d3s>

5

<sup>4</sup> <https://expansion.mx/economia/2008/05/23/venezuela-compra-deuda-argentina>

<sup>4</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?locations=AR>

<sup>4</sup> <https://plink.ir/2yN9M>

8

<sup>4</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI?location=AR>

## مرحله نهم: ۲۰۱۵-۲۰۱۸؛ بازگشت به تعدیل ساختاری و درخواست وام

در نوامبر ۲۰۱۱ دولت برنامه ریاضت اقتصادی را در دستور کار خود قرار داد که در جریان آن یارانه های آب و برق به خانواده های با درآمد بالاتر کاهش یافت و مالیات بر صادرات محصولات کشاورزی بالا رفت.<sup>۵۰</sup>

از طرف دیگر افزایش تورم و فرار سرمایه باعث کاهش سریع ذخایر دلار در کشور شد و دولت را مجبور به کاهش شدید دسترسی به دلار کرد. کنترل هایی که دولت اعمال کرد، قدرت خرید یا فروش ارزهای خارجی به ویژه دلارهای آمریکایی را محدود می کرد. تحمیل کنترل سرمایه به نوبه خود منجر به ظهور بازار سیاه دلار با نرخ های بالاتر از نرخ ارز رسمی شد. بسیاری از آرژانتینی ها پس انداز خود را به عنوان دلار در برابر تورم نگه داشتند. نرخ تورم در این دوره بیش از ۳۰ درصد بود و تراز بودجه دولت ۸ درصد کسری داشت. از آنجا که آرژانتین یک کشور در حال توسعه است، یک افت جهانی در قیمت کالاها باعث کاهش درآمد تجارت می شود.

در سال ۲۰۱۵ مکرری دوره ریاست جمهوری خود را با مشکلات اقتصادی که از طرف دولتهای قبلی تحمیل شده بود، آغاز کرد. سیاست های مکرری به نوعی بازگشت به تعدیل ساختاری و تلاش برای رفع موانع تجارت آزاد بود. یکی از اولین سیاست های اقتصادی حذف سهمیه صادرات و تعرفه های موجود در ذرت و گندم بود. تعرفه های سویا، پر سود ترین صادرات آرژانتین، از ۳۵٪ به ۳۰٪ کاهش یافت. سیاست دیگر مکرری حذف کنترل های ارزی بود و به آرژانتینی ها اجازه می داد آزادانه ارزهای خارجی را بخرند و بفروشند. در نتیجه پزو آرژانتین ۳۰ درصد کاهش یافت.<sup>۵۱</sup>

## آثار مرحله نهم:

- ۱- بازگشت به رکود اقتصادی: رشد اقتصادی که در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۱۰ درصد رسیده بود، در این دوره به شدت کاهش یافت و در سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ به شکل زیگزاگی بین ۲- تا ۲ درصد در نوسان بود.<sup>۵۲</sup>
- ۲- افزایش نرخ تورم: نرخ تورم آرژانتین که تا سال ۲۰۱۳ روند نسبتاً با ثباتی را طی کرده بود، در این دوره با افزایش شدیدی روبرو شد، به نحوی که از ۱۰٫۶۲٪ در سال ۲۰۱۳ به ۵۴٫۴۴٪ در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت که بخشی از آن به دلیل کسری تراز تجاری و بخشی دیگر به دلیل حذف یارانه ها و افزایش سطح عمومی قیمت ها بود.

<sup>5</sup> <https://www.ft.com/content/53cab223-6e70-3441-a9d3-4c8cbde1054a>

<sup>5</sup> [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=319163&download=yes](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=319163&download=yes)

<sup>5</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=AR>

۳- افزایش اعتراضات مردمی: برخی از تصمیمات دولت نظیر حذف یارانه آب و برق و افزایش مالیات‌ها اعتراض بسیاری از مردم از جمله کشاورزان را برانگیخت.

۴- فرار سرمایه: در اثر حذف کنترل سرمایه در آرژانتین، حدود ۳۶,۶ میلیارد از ۴۴,۵ میلیارد دلاری که از صندوق بین‌المللی پول به آرژانتین تخصیص پیدا کرد، از کشور خارج شد و در چرخه سرمایه‌گذاری و تولید قرار نگرفت.<sup>۵۳</sup>

تولید سویا، صادرات اصلی کشور، با خشکسالی کاهش یافته بود که یکی از بدترین بلایای طبیعی در آن سال بود. بانک مرکزی آرژانتین نرخ بهره را به ۶۰ درصد افزایش داد، اما نتوانست تورم را متوقف کند.

در این شرایط بود که مگری در ماه مه ۲۰۱۸ اعلام کرد که آرژانتین به دنبال وام از صندوق بین‌المللی پول است. وام اولیه ۵۰ میلیارد دلار بود. صندوق بین‌المللی پول وام را با ۷ میلیارد دلار افزایش داد، به شرط اینکه بانک مرکزی تنها در شرایط خاص قیمت پزو را در برابر دلار آمریکا تعدیل کند. بودجه سال ۲۰۱۹ برخی از هزینه‌ها را کاهش داد و برخی از مالیات‌ها را افزایش داد تا از کسری به طور کامل جلوگیری شود.<sup>۵۴</sup>

در افکار عمومی آرژانتینی‌ها، نسبت به اعمال صندوق بین‌المللی پول بدبینی وجود دارد؛ چرا که اسم صندوق بین‌المللی پول یادآور سیاست‌های تعدیل ساختاری از جمله خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی است. بسیاری از مردم آرژانتین وضعیت فعلی کشور را ناشی از اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول می‌دانند و به همین دلیل در ماه‌های گذشته شاهد اعتراضات گسترده مردم نسه به وضعیت اقتصادی آرژانتین بودیم. همین اعتراضات باعث شد آلبرتو فرناندز که رقیب مگری در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۹ بود و سیاست‌های او از جمله اجرای نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول را عامل وضعیت اقتصادی فعلی می‌دانست، بتواند اکثریت آرا را بدست آورد و سکاندار دولت آرژانتین شود.<sup>۵۵</sup>

<sup>5</sup> <https://www.opendemocracy.net/en/oureconomy/after-argentina-debacle-imf-endorses-weakening-capital-controls-ecuador/>

<sup>5</sup> <https://www.irna.ir/news/82936457>

<sup>5</sup> <https://www.eghtesadonline.com/n/2070>

## ۴) تجربه اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در شیلی

بنابر اسناد صندوق بین‌المللی پول، سابقه وام دهی این نهاد به اکوادور به سال ۱۹۶۱ برمی‌گردد. اما در مطالعات انجام شده، نشانه‌ای از اجرای سیاست‌های مبتنی بر تعدیل ساختاری در اکوادور از جمله برنامه شوک یا برنامه‌های ریاضتی در دوره زمانی ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۳ دیده نشده است.

تا پیش از سال ۱۹۶۷ عمده تولید و صادرات اکوادور را محصولات کشاورزی تشکیل می‌داد. اما از سال ۱۹۶۷ به دنبال کشف میدان‌های نفتی در منطقه شرقی اکوادور، این کشور به یک تولیدکننده جهانی نفت تبدیل شد و درآمد ناشی از صادرات نفت عمده‌ترین منبع درآمد دولت اکوادور را تشکیل داد. عمدتاً به دلیل صادرات نفت، درآمد خالص ارزی اکوادور از ۴۳ میلیون دلار در سال ۱۹۷۱ به بیش از ۳۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۴ صعود کرد. تولید و صادرات نفت که از اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، همراه با افزایش چشمگیر قیمت‌های بین‌المللی نفت، به رشد قابل توجه اقتصادی بی‌سابقه کمک کرد. تولید ناخالص داخلی واقعی به طور متوسط بیش از ۹ درصد در سال طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷ در مقایسه با ۵٫۹ درصد در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ افزایش یافته است.

اما این رشد اقتصادی عوارض جانبی منفی هم داشت. واردات واقعی بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۹ به طور متوسط ۷ درصد افزایش یافت. این الگو موجب افزایش تورم، کاهش درآمد ملی و افزایش بدهی خارجی کشور از ۳۲۴ میلیون دلار به حدود ۴/۴ میلیارد دلار شد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ رشد اقتصادی با افت قیمت بین‌المللی نفت رو به کاهش بود و به دلیل اینکه صادرات غیر نفتی اکوادور متکی بر محصولات کشاورزی سنتی بود، این کشور برخی از بازارهای خارجی خود را از دست داد. تغییرات چشمگیر آب و هوایی در طول سالهای ۸۳-۱۹۸۲، سیل‌های ساحلی، باران‌های شدید و خشکسالی به شدت به زراعت و زیرساخت‌های حمل و نقل و بازاریابی آسیب رساند.

رشد بدهی‌های خارجی اکوادور به جایی رسید که دولت در سال ۱۹۸۴ تقریباً ۶۰ درصد درآمد صادراتی کشور را صرف بازپرداخت بدهی‌ها کرد. منابع اعتباری خارجی از اوایل سال ۱۹۸۲ شروع به رو به کاهش نهاد و فشارهای تورمی در اوایل دهه ۱۹۸۰ افزایش یافت. قیمت مصرف‌کننده که در سال ۱۹۸۰ حدود ۱۴ درصد افزایش یافت، در سال ۱۹۸۲ با ۲۵ درصد و در ۱۹۸۳ با ۵۳ درصد افزایش مواجه شد. مجموع این عوامل، زمینه‌ها را برای اعمال یک سیاست ریاضتی مبتنی بر برنامه تعدیل ساختاری و مذاکره با صندوق بین‌المللی پول جهت دریافت وام

<sup>5</sup> Dennis M. Hanratty (1991). Ecuador : a country study. *Library of Congress Federal Research Division*, p. 106-107

فراهم نمود. در اینجا تاریخچه ارتباط گیری اکوادور با صندوق بین‌المللی پول و اجرای سیاست تعدیل ساختاری را در طی چند مرحله بررسی می‌نماییم:

### مرحله اول: ۲۰۰۱-۱۹۸۳؛ آغاز و تداوم برنامه‌های ریاضتی و مذاکره با صندوق برای دریافت وام

از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۷ تمامی دولت‌هایی که بر روی کار آمدند، در عمل سیاست‌های تعدیل ساختاری در راستای نئولیبرالیسم را اجرا نمودند. اگرچه برخی از آنها شعارهای حمایت‌گرانه داده‌اند و کمک‌های صندوق بین‌المللی پول فقط در بعضی از دولت‌ها به اکوادور تعلق گرفته است. بنابراین ما وقایع این ۱۸ سال در اکوادور را در یک مرحله تحلیل می‌نماییم:

در مارس ۱۹۸۳ تا سال ۲۰۰۱ دولت‌های مختلف با نگاهی به تغییر مجدد بدهی‌های خارجی، اقدامات ریاضتی متعددی را اعمال کرد، از جمله کاهش ارزش پول ملی، افزایش در نرخ بهره تجاری و کاهش هزینه‌های دولت. اجرای این برنامه‌ها از سوی دولت اکوادور در واقع سیگنالی بود برای صندوق بین‌المللی پول تا نسبت به اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در راستای نئولیبرالیسم در اکوادور اطمینان حاصل کند و نسبت به پرداخت وام به این کشور متقاعد شود. پس از چند ماه مذاکره میان دولت اکوادور و صندوق بین‌المللی پول، در جولای ۱۹۸۳، صندوق بین‌المللی پول با پرداخت بیش از ۱۵۷ میلیون دلار به اکوادور موافقت می‌کند. اکوادور همچنین در دسامبر سال ۱۹۸۴ موافقتنامه‌ای را با پاریس کلپ (یک کنسرسیوم مالی بانک‌ها و دولت‌های غربی) و در آوریل ۱۹۸۵ موافقتنامه‌های مجدد چند ساله را با بانکهای خصوصی خارجی منعقد کرد.

دولت‌های بعدی نیز همین روند را با اتخاذ سیاست‌های مختلف در پیش گرفتند. سیاست‌های اتخاذ شده در راستای تعدیل ساختاری در این بازه زمانی عبارت‌اند از: تقویت مقررات زدایی اقتصادی، حذف کنترل قیمت‌ها از سوی دولت، کاهش ارزش پول ملی، حذف سهمیه‌های واردات، افزایش تعرفه واردات مواد اولیه صنعتی، فراهم سازی زمینه‌های جذب سرمایه‌گذاری جدید خارجی، افزایش مالیات، کاهش هزینه‌های بخش عمومی، افزایش قیمت سوخت و نرخ برق، از بین بردن کنترل‌های بانکی، تلاش برای عضویت در سازمان تجارت جهانی و اتخاذ دلار آمریکا به عنوان ارز رسمی اکوادور.<sup>۵۷</sup>

## آثار مرحله اول:

۱- نوسانات رشد تولید: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در این دوره به شکل زیگزاگی در حال نوسان بوده است. بهبود این شاخص عمدتاً ناشی از ثبات یا افزایش در قیمت بین‌المللی نفت خام، احیا یا رونق بخش کشاورزی و افزایش صادرات کالاهای خاص در اثر سیاست آزادسازی تجاری بوده است و کاهش این شاخص عمدتاً از شوک‌های بیرونی نظیر کاهش قیمت نفت خام، بلایای طبیعی منجر به کاهش تولید محصولات کشاورزی، بحران اقتصادی، افزایش مالیات و حذف موانع وارداتی منجر به رکود اقتصادی ناشی شده است. بیشترین مقدار این شاخص در سال ۱۹۸۸ به مقدار ۵٫۹ درصد و کمترین مقدار آن در سال ۱۹۹۹ به مقدار ۴٫۷- درصد بوده است.<sup>۵۸</sup>

۲- نوسانات تورم: نرخ تورم نیز از سال ۱۹۸۳ تا سال ۲۰۰۱ دارای یک حرکت زیگزاگی بوده است و در مجموع ۴ بار سیر نزولی و ۴ بار سیر صعودی را تجربه کرده است. کاهش تورم عمدتاً ناشی از کاهش دستمزدها، کاهش بودجه دولت و کاهش هزینه‌های اجتماعی بوده است و افزایش تورم عمدتاً از سیاست پولی انبساطی، افزایش بدهی خارجی، شوک‌های ارزی و افزایش هزینه‌های ناشی از ساختارهای معیوب تولید ناشی شده است. کمترین تورم در این دوره مربوط به سال ۱۹۸۶ به مقدار ۲۳ درصد و بیشترین تورم این دوره مربوط به سال ۲۰۰۰ به مقدار ۹۶ درصد است که بالاترین نرخ تورم در تاریخ اکوادور است. البته نرخ تورم در پایان این دوره در سال ۲۰۰۱ به ۳۷ درصد کاهش یافته است.<sup>۵۹</sup>

۳- افزایش شکاف طبقاتی: ضریب جینی نیز که نشان‌دهنده میزان توزیع درآمد است، پس از افزایش در سال ۱۹۸۴ و کاهش در سال ۱۹۸۸، به بالاترین میزان خود در تاریخ اکوادور در سال ۱۹۹۹ به مقدار ۰٫۵۸ رسید که این افزایش نشان‌دهنده گسترش شکاف طبقاتی در اثر تمرکز ثروت در شرکت‌های صادراتی و بانک‌ها و کاهش دستمزدها و هزینه‌های اجتماعی بوده است. این شاخص پس از سال ۱۹۹۹ روند کاهشی داشته است.<sup>۶۰</sup>

۴- افزایش نرخ بیکاری: نرخ بیکاری در سال ۱۹۹۹ به بیشترین میزان خود یعنی ۱۳٫۹۶ درصد رسید.<sup>۶۱</sup>

<sup>5</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?locations=EC>

<sup>5</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG?locations=EC>

<sup>6</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI?locations=EC>

<sup>6</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.TOTL.NE.ZS?locations=EC>



همانطور که شاخص‌های اقتصادی این دوره نشان می‌دهند، در سال ۱۹۹۹ اقتصاد اکوادور با یک بحران مواجه شده است. اگرچه نقش شوک‌های بیرونی، ساختارهای معیوب داخلی و سیاست‌گذاری‌های نادرست اقتصادی در ایجاد این بحران محرز است، اما نقش ویژه سیاست تعدیل ساختاری در ایجاد و تشدید این بحران را نمی‌توان نادیده گرفت. به نظر می‌رسد آثار سیاست‌های تعدیل ساختاری که از سال ۱۹۸۳ در اکوادور اجرا شده و در اقتصاد این کشور انباشت شد، در سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰ به یکباره خود را به عنوان یک بحران اقتصادی نشان داد.

### مرحله دوم: ۲۰۰۹-۲۰۰۱؛ مذاکره مجدد با صندوق بین‌المللی پول و تداوم تعدیل ساختاری

دولت نوبوا تعهد خود مبنی بر به تبدیل دلار را به عنوان محور استراتژی بهبود اقتصادی خود تأیید کرد و پس از اتمام یک برنامه آماده به کار یک ساله با صندوق بین‌المللی پول، موفق شد با در مورد دریافت دو وام در آوریل سال ۲۰۰۰ و ۶<sup>۲</sup> در می سال ۲۰۰۱ با این صندوق به توافق برسد. البته صندوق بین‌المللی پول برای تخصیص این وام‌ها به اکوادور، شرایطی تعیین کرد: شرایط وام اول عبارت بود از افزایش قیمت بنزین و اصلاح مالیات. شرایط وام دوم نیز هدفگذاری تورم ۲۵٫۸٪، متوسط رشد اقتصادی ۴٪ و کسری دولت ۳٪ بود.<sup>۶۳</sup>

سیاست‌های اقتصادی تعدیل ساختاری در اکوادور همچنان ادامه یافت. حتی برخی از نامزد‌هایی که با شعار مبارزه با فساد و مخالفت با سیاست‌های مبتنی بر نئولیبرالیسم در انتخابات شرکت می‌کردند و نامزد‌های موافق با نئولیبرالیسم را شکست می‌دادند، پس از رسیدن به قدرت همان سیاست‌ها را ادامه می‌دادند.

از جمله این افراد، گوتیرز بود که در سال ۲۰۰۲ به عنوان کاندیدای احزاب چپ‌گرا در بستر مبارزه با فساد و مبارزه با اصلاحات اقتصادی نولیبرال مطرح شد و توانست الوارو نوبوا را که از مجریان نئولیبرالیسم بوده است، شکست دهد.

گوتیرز اما با حمایت از منطقه تجارت آزاد قاره آمریکا (FTAA) و با حفظ وضعیت موجود در مسائل اقتصادی، بسیاری از هواداران خود را از خود راند. او همچنین موفق شد در سال ۲۰۰۳ یک وام ۱۵۱ میلیون دلاری از صندوق بین‌المللی پول دریافت کند.<sup>۶۴</sup> شرایط دریافت این وام عبارت بود از افزایش قیمت بنزین و برق و خصوصی‌سازی بخش نفت، برق و ارتباطات.<sup>۶۵</sup>

<sup>6</sup> <https://www.imf.org/external/np/fin/tad/extarr2.aspx?memberKey1=270&date1key=2019-05-31>

<sup>6</sup> "Political Instability and Economic Growth in Ecuador, An empirical analysis", p.25

[https://www.researchgate.net/publication/330401680\\_Political\\_instability\\_and\\_Economic\\_growth\\_in\\_Ecuador](https://www.researchgate.net/publication/330401680_Political_instability_and_Economic_growth_in_Ecuador)

<sup>6</sup> <https://www.imf.org/external/np/fin/tad/extarr2.aspx?memberKey1=270&date1key=2019-05-31>

<sup>6</sup> "Political Instability and Economic Growth in Ecuador, An empirical analysis", p.26

[https://www.researchgate.net/publication/330401680\\_Political\\_instability\\_and\\_Economic\\_growth\\_in\\_Ecuador](https://www.researchgate.net/publication/330401680_Political_instability_and_Economic_growth_in_Ecuador)

## آثار مرحله دوم:

در این دوره اگرچه از شدت آثار بحران اقتصادی سال ۱۹۹۹ کاسته شده، اما اقتصاد همچنان با نوسانات و بی‌ثباتی‌های روبرو بود:

- ۱- نرخ رشد تولید ناخالص داخلی که در اثر بحران اقتصادی در سال ۱۹۹۹ به ۴,۷۳- کاهش یافته بود، در این دوره افزایش یافت و بین ۱,۱ تا ۸,۲۱ درصد در نوسان بود.<sup>۶۶</sup>
- ۲- نرخ تورم که در بحران سال ۱۹۹۹ به رقم نجومی ۹۶ درصد رسیده بود، در این دوره روند کاهشی پیدا کرد و در سال ۲۰۰۹ به ۵,۱۶ درصد رسید. کُت اصلی کاهش تورم در این دوره، اجرای شروط صندوق بین‌المللی پول در ازای پرداخت وام‌ها نظیر کاهش هزینه‌های اجتماعی بوده است.
- ۳- ضریب جینی که در بحران سال ۱۹۹۹ به رقم ۰,۵۸ رسیده بود، در این دوره با یک سیر نزولی و البته نوسانی روبرو شد و در سال ۲۰۰۹ به رقم ۰,۴۸ رسید.<sup>۶۸</sup>
- ۴- نرخ بیکاری نیز پس از کاهشی که بعد از بحران ۱۹۹۹ به وقوع پیوست، بین ۳,۱ تا ۵,۶ درصد در نوسان بود.<sup>۶۹</sup>

## مرحله سوم: ۲۰۰۹-۲۰۱۷؛ توقف اجرای تعدیل ساختاری و تغییر در سیاستگذاری اقتصادی

در سال ۲۰۰۹ شخصی به نام رافائل کوره نیز با رویکرد سوسیالیستی توانست اکثریت آرا را در اکوادور بدست آورد. اما او پس از قدرت گرفتن واقعاً بر ایده خود استوار بود و سیاست دولت‌های گذشته را ادامه نداد. او با شعار مبارزه برای عدالت اجتماعی و منطقه‌ای و برتری کار بر سرمایه پیروز شد و در عمل نیز رویکرد مقابله‌ای در قبال صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی اتخاذ کرد. دولت کوره اعلام کرد که دولت جدید توافق نامه‌ای را برای اجازه دادن به صندوق بین‌المللی پول برای نظارت بر برنامه اقتصادی خود امضا نخواهد کرد.

کوره از سیاست‌های نئولیبرالی رؤسای جمهور قبلی، به ویژه تصویب رئیس‌جمهور اسبق، ماهواد، در مورد استفاده از دلار آمریکا به عنوان ارز داخلی اکوادور در سال ۲۰۰۰ برای مقابله با تورم کشور انتقاد کرده است. اما مهمترین اقدام کوره در این دوره، اصلاح و تنظیم مجدد سیستم مالی بود. از جمله اقدامات کوره می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

<sup>6</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?locations=EC>

<sup>6</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG?locations=EC>

<sup>6</sup> [https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI?locations=EC&name\\_desc=true](https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI?locations=EC&name_desc=true)

<sup>6</sup> [https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.TOTL.NE.ZS?locations=EC&name\\_desc=true](https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.TOTL.NE.ZS?locations=EC&name_desc=true)

۱- اصلاح و تنظیم مجدد سیستم مالی: دولت کنترل بانک مرکزی را در دست گرفت و از این طریق حدود ۲ میلیارد دلار از ذخایر خود در خارج از کشور را بازگرداند. منابع حاصل از این اقدام توسط بانکهای عمومی برای وام جهت توسعه زیرساخت‌ها، مسکن، کشاورزی و سایر سرمایه‌گذاری‌های داخلی استفاده شد. دولت همچنین مالیات را بر خروج سرمایه از کشور وضع کرده و بانک‌ها را ملزم به نگه داشتن ۶۰٪ از دارایی‌های خود در داخل کشور کرد.

۲- افزایش بودجه و هزینه‌های عمومی و اجتماعی: دولت بودجه خود را برای تعاونی‌ها، اتحادیه‌های اعتباری و سایر سازمان‌ها و اتحادیه‌ها افزایش داد. در همین راستا وام‌های تعاونی بین سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۱۲ سه برابر شد. همچنین هزینه‌های عمومی و اجتماعی و خدماتی دولت از جمله هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی، هزینه دسترسی به مراقبت‌های پزشکی، هزینه‌های عمومی آموزش و پرورش، اعتبار مسکن یارانه‌ای و سایر هزینه‌های اجتماعی در این دوره افزایش یافت.<sup>۷۰</sup>

مجموع این سیاست‌ها نشان‌دهنده رویکرد متفاوت دولت کوره نسبت به سیاست تعدیل ساختاری بود.

## آثار مرحله دوم:

در این دوره شاخص‌های اقتصادی نسبت به بحران سال ۱۹۹۹ و دوره پس از آن تقریباً یک ثبات نسبی را تجربه کرده‌اند.

۱- نرخ تورم روند کاهشی را ادامه داد و با نوسان پایینی از ۵,۱۶ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۰,۴۱ درصد در سال ۲۰۱۷ رسید.<sup>۷۱</sup>

۲- ضریب جینی با تغییرات کمتر از ۰,۱ به روند کاهشی خود ادامه داد.<sup>۷۲</sup>

۳- شاخص رشد تولید ناخالص داخلی دارای حرکت زیگزاگی بود. بیشترین مقدار این شاخص مربوط به سال ۲۰۱۱ به میزان ۷,۸ درصد و کمترین میزان آن مربوط به سال ۲۰۱۶ به میزان ۱,۲- درصد بوده است.<sup>۷۳</sup>

۴- نرخ بیکاری نیز با روند نزولی از ۴,۶ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۳,۸ درصد در سال ۲۰۱۷ رسید.<sup>۷۴</sup>

<sup>7</sup> <https://www.theguardian.com/commentisfree/2013/feb/15/rafael-correa-ecuador-elections>

<sup>7</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG?locations=EC>

<sup>7</sup> [https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI?locations=EC&name\\_desc=true](https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI?locations=EC&name_desc=true)

<sup>7</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?locations=EC>

<sup>7</sup> <https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.TOTL.NE.ZS?locations=EC>

## مرحله سوم: ۲۰۲۰-۲۰۱۷؛ بازگشت به نئولیبرالیسم و تقاضای وام از صندوق

دولت لنین مورنو که از سال ۲۰۱۷ بر سر کار آمد، پس از ۱۰ سال توقف در اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در اکوادور، مجدداً این سیاست‌ها را در پی گرفت. از جمله سیاست‌های اجرا شده در دولت مورنو می‌توان به کاهش هزینه‌های عمومی، آزادسازی تجارت، انعطاف‌پذیری قانون کار و قانون توسعه تولید اشاره نمود. قانون توسعه تولید یک سیاست ریاضت اقتصادی را شامل می‌شود که باعث کاهش سیاست‌های مبتنی بر توزیع مجدد ثروت می‌گردد. کاهش نرخ مالیات برای شرکت‌های بزرگ، مواد اولیه و بازپرداخت ارزها با هدف تشویق بازگشت سرمایه‌گذاران از جمله سیاست‌های مالیاتی در این دوره است.<sup>۷۵</sup>

یکی از اتفاقات این دوره، توافق جدید دولت با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بود. لنین مورنو در فوریه ۲۰۱۹ اعلام کرد پرداخت بیش از ۱۰ میلیارد دلار وام از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با نرخ‌های زیر ۵٪ به طور متوسط و برای شرایط تا ۳۰ سال به تصویب رسیده است.<sup>۷۶</sup> البته پرواضح است که این وام پس از اعتماد سازی مورنو در پی اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در دو سال گذشته و مشروط به تداوم این سیاست‌ها در سال‌های بعد تعلق گرفته است.

لنین مورنو در ۲ اکتبر سال ۲۰۱۹ و در راستای اجرای بسته پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول، سیاست ریاضتی را تشدید نمود و لغو یارانه‌های سوخت را به منظور کاهش هزینه‌های اجتماعی اعلام کرد. این امر به نوبه خود باعث آغاز اعتراضات اکوادور ۲۰۱۹ شد.<sup>۷۷</sup> نهایت دولت مجبور شد با معترضان وارد مذاکره شده و در ازای توقف اعتراضات سراسری، اجرای سیاست ریاضتی را متوقف نماید.<sup>۷۸</sup>

## آثار مرحله سوم:

گرچه هنوز برخی از آثار اجرای سیاست تعدیل ساختاری در دولت مورنو پدیدار نشده است، اما انتظار می‌رود با توجه به تبعیض مالیاتی ایجاد شده به منظور تشویق سرمایه‌گذاری، شکاف طبقاتی و نابرابری درآمدی در این کشور افزایش یابد.

<sup>7</sup> <http://www.europe-solidaire.org/spip.php?article46999> 5

<sup>7</sup> <http://www.24ecuador.com/politica/ecuador-recibira-prestamo-de-mas-de-10-mil-millones-de-dolares-de-organismos-internacionales/75425-noticias>

<sup>7</sup> <https://www.nasimonline.ir/Content/Detail/2336032> 7

<sup>7</sup> <https://www.irna.ir/news/83516420> 8

همچنین بر اساس سیاست کاهش هزینه‌های عمومی، دولت دیگر نمی‌تواند هزینه‌های عمومی را بیش از ۳ درصد در سال افزایش دهد و کسری بودجه را به بازپرداخت بهره بدهی محدود کند. بنابراین سرمایه‌گذاری به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد، در حالی که خصوصی سازی از طریق یارانه‌های تضمین شده در طی چندین سال تسهیل می‌شود.

اعتراضات ایجاد شده پس از لغو یارانه سوخت نیز از جمله پیامدهای سیاست تعدیل ساختاری در سال ۲۰۱۹ بود که با ایجاد توافق میان معترضان و دولت و توقف این سیاست پایان یافت.

## ۵) تحلیل اثرات اجرای برنامه تعدیل ساختاری در شیلی، آرژانتین و اکوادور

نظرات مختلفی در رابطه با تحلیل اثرات اجرای برنامه تعدیل ساختاری در آمریکای جنوبی و به ویژه سه کشور شیلی، آرژانتین و اکوادور وجود دارد. بسیاری از این تحلیل‌ها به نوع نگاه تحلیل‌کننده و مکتب فکری او برمی‌گردد.

طرفداران نئولیبرالیسم عمدتاً شیلی را یک نمونه موفق از اجرای سیاست‌های برنامه تعدیل ساختاری می‌دانند و در اظهاراتشان به رشد اقتصادی بالای شیلی در طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ و رشد صادرات آن کشور در این دوره اشاره دارند. از نگاه این عده، آنچه که اصالت دارد، اصل آزاد سازی و خصوصی سازی است که اگر اجرا شود، بقیه مشکلات بدنبال آن حل می‌گردد. این عده معتقدند مشکلاتی که در این دوره به لحاظ اقتصادی در شیلی به وقوع پیوسته، بی‌ارتباط با سیاست‌های تعدیل ساختاری است و ریشه در سیاست‌های پوپولیستی دولت آینده از جمله ملی کردن صنایع داخلی و افزایش هزینه‌های اجتماعی و همچنین ساختارهای معیوب داخلی است که موجب بروز تورم و کسری بودجه شده است.

همین نگاه در مورد آرژانتین وجود دارد. طرفداران نئولیبرالیسم آرژانتین را به عنوان نمونه یک کشور توسعه یافته در آمریکای لاتین با رشد اقتصادی بالا می‌دانند و نوسانات و بی‌ثباتی‌های اقتصادی این کشور در دهه‌های اخیر را ناشی از سیاست‌های پوپولیستی دولت پرون نظیر افزایش عرضه پول، ملی کردن صنایع، جایگزینی واردات و افزایش هزینه‌های دولت می‌دانند.<sup>۷۹</sup> برخی دیگر نیز تأکید کرده‌اند که کاستی اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ این بود که اصلاحات اقتصادی با عزم کافی دنبال نمی‌شد.

در مورد اکوادور نیز شاهد آن هستیم که برخی از طرفداران نئولیبرالیسم از این کشور به عنوان نمونه‌ای از ثبات اقتصادی در آمریکای لاتین یاد می‌کنند و مشکلات ایجاد شده در این دوره را به سیاست‌های ملی‌گرایانه قبل از اجرای تعدیل ساختاری نسبت می‌دهند.

از سوی دیگر منتقدین سیاست‌های تعدیل ساختاری معتقدند اگرچه عوامل سیاستی و نهادی و زمینه‌های داخلی در بروز بی‌ثباتی اقتصادی در کشور های مدنظر مؤثر بوده‌اند، اما نمی‌توان تأثیر اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در بروز این نابسامانی‌ها را نادیده گرفت. واضح است که وقتی لغو موانع جابجایی سرمایه همراه با آزادسازی قیمت‌ها و کنترل زدایی در حوزه سیاست‌گذاری دولت از سوی صندوق بین‌المللی

<sup>7</sup> <https://bourgeois.ir/?p=4744>

پول تجویز می‌شود، اجرای این سیاست‌ها نتیجه‌ای جز فرار سرمایه، رکود اقتصادی، افزایش فاصله طبقاتی و افزایش نرخ بیکاری نخواهد داشت. همچنان که بررسی تجربه کشورهای مختلف در این زمینه، این حقیقت را اثبات کرده است.<sup>۸۰</sup>

نکته دیگری که منتقدین به آن پرداخته‌اند، این است که در تحلیل اثرات سیاست‌های برنامه تعدیل ساختاری نباید صرفاً بر روی بعضی از شاخص‌ها نظیر درآمد سرانه، رشد اقتصادی یا رشد صادرات تمرکز نمود. زیرا این شاخص‌ها به هیچ وجه نشان دهنده نحوه توزیع درآمد و میزان نابرابری در جامعه نیستند. اجرای برنامه تعدیل ساختاری در این کشورها اگرچه برخی از شاخص‌ها را در سطح کلان بهبود بخشیده است، اما موجب افزایش نابرابری در جامعه و کاهش سطح رفاه عمومی شده است. در حقیقت اجرای برنامه تعدیل ساختاری در این کشورها منافع و هزینه‌هایی داشت؛ هزینه اجرای این سیاست‌ها را عموم مردم پرداخت کردند، زیرا با اجرای این سیاست‌ها نظیر کاهش ارزش پول ملی، کاهش دستمزدها و کاهش هزینه‌های اجتماعی، وضعیت رفاهی جامعه رو به وخامت نهاد. اما منافع این سیاست‌ها برای عموم مردم نبود، بلکه به شرکت‌های بزرگ صادراتی و بانک‌ها و ذینفعان آزاد سازی تجاری و خصوصی سازی تعلق داشت. بهبود در توزیع درآمد و کاهش فاصله طبقاتی، شاخص بسیار مهمی است که گویا در اندیشه نئولیبرالیسم جایگاه چندانی ندارد.

منتقدین معتقدند دوگان پوپولیسم - نئولیبرالیسم دوگان نادرستی است. پوپولیسم به معنای طرفداری از مردم در مقابل نخبگان است و نئولیبرالیسم یعنی اباحه‌گری در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی. این دو در برابر یکدیگر نیستند. بلکه واژه جدیدی در این زمینه وجود دارد به نام پوپولیبرالیسم، یعنی لیبرالیسمی که با ادعای طرفداری از مردم، به نفع نخبگان سیاسی و اقتصادی سیاست‌گذاری می‌کند، در حالیکه هزینه این سیاست‌گذاری را مردم باید بپردازند.<sup>۸۱</sup>

در جمع بندی این نظرات به چند نکته اشاره می‌شود:

۱- در تحلیل عوامل اثر گذار بر بی ثباتی کشورهای شیلی، آرژانتین و اکوادور در دهه‌های اخیر، نقش برخی از سیاست‌های نادرست اقتصادی و ساختارهای ناسالم داخلی واضح است. اما این به معنای بی اثر بودن سیاست‌های تعدیل ساختاری در این زمینه نیست. در تحلیل عوامل اقتصادی نباید شرایط را به شکل مطلق و صفر و یکی بررسی کرد. سیاست‌های تعدیل ساختاری که از سوی صندوق بین‌المللی پول دیکته شده‌اند، با هدف رشد اقتصادی، افزایش صادرات، کاهش فقر و تسریع در روند توسعه اقتصادی به

<sup>۸۰</sup> مصاحبه با آقای رهجو، کارشناس مسائل اقتصادی و مسئول اندیشکده شاخص.

<sup>۸۱</sup> مصاحبه با آقای امیر حسینی، کارشناس مسائل اقتصادی و عضو اندیشکده یقین.

دولت‌های مختلف ابلاغ شده‌اند. اگرچه برخی از این اهداف نظیر رشد اقتصادی یا افزایش صادرات در مقطعی برآورده شده‌اند، اما در عمل می‌بینیم که برخی از اهداف ادعایی صندوق از تجویز این سیاست‌ها نظیر کاهش فقر و تسریع در توسعه اقتصادی نه تنها محقق نشده، بلکه این سیاست‌ها منجر به تشدید مشکلات اقتصادی و بی‌ثباتی‌های داخلی این کشورها و یا ایجاد مشکلات جدید تر نیز شده است.

۲- بررسی روند همکاری این سه کشور با صندوق بین‌المللی پول و اجرای برنامه تعدیل ساختاری نشان می‌دهد که نقطه شروع ارتباط میان این کشورها و صندوق و مذاکره برای دریافت وام، بحران بدهی بوده است. در حقیقت بدهی‌های بالای این کشورها، آنها را به سمت اجرای برنامه تعدیل ساختاری به منظور جلب حمایت صندوق بین‌المللی پول سوق داده است. اما در عمل، دریافت وام از صندوق و اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری نه تنها موجب کاهش بدهی نشده، بلکه بدهی را در این کشور افزایش داده و برخی شاخص‌های دیگر اقتصادی را نیز دچار وخامت کرده است. اجرای این سیاست‌ها موجب گرفتار شدن این کشورها در مارپیچ بدهی شده است و آنها را برای دریافت وام بیشتر به اجرای بیشتر سیاست‌های ریاضتی صندوق ترغیب نموده است.

۳- نقد سیاست‌های نئولیبرالیسم در این زمینه به معنای حمایت از پوپولیسم یا سوسیالیسم نیست. همانطور که قبلاً ذکر شد، بسیاری از این دو گان‌ها نادرست هستند. بلکه در کنار اثرات ناشی از تعدیل ساختاری، باید به زمینه‌های داخلی و سایر سیاست‌گذاری‌های نادرست اقتصادی نیز توجه داشت.

۴- با بررسی روند اجرای برنامه تعدیل ساختاری در این سه کشور به این نتیجه می‌رسیم که آثار مثبت اقتصادی نظیر افزایش رشد اقتصادی، کاهش تورم و افزایش صادرات در این کشورها عمدتاً به شکل مقطعی و کوتاه مدت بوده‌اند و اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول نتوانسته است روند پایداری را برای حفظ و تداوم این دستاوردها فراهم آورد. در حالیکه یکی از اهداف مهم کشورها در زمینه اقتصاد، رسیدن به رشد و توسعه پایدار است و نه مقطعی و کوتاه مدت.

۵- یکی از مهمترین پیامدهای سیاست‌های تعدیل ساختاری، فرار سرمایه بود. همانطور که قبلاً ذکر شد، یکی از اهداف سیاست‌های تعدیل ساختاری، حذف کنترل سرمایه و کلیه موانع جابجایی سرمایه به منظور تأمین جریان پایدار سرمایه و کمک به جابجایی سرمایه میان کشورهای مدنظر و سایر کشورهای جهان است. اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد، عکس این قضیه بود. با حذف موانع انتقال سرمایه، قسمت قابل توجهی از منابع مالی کشورها - که عمدتاً تخصیص یافته از صندوق بین‌المللی پول بوده‌اند - از کشور خارج شد. بر اساس آمارها، کشورهای آمریکای لاتین از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۹۱ که اوج اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در



این کشور هاست، با فرار سرمایه مواجه بوده اند.<sup>۸</sup> این واقعیت نشان می‌دهد که کاهش کنترل سیاست پولی و لغو موانع انتقال سرمایه از سوی دولت‌ها نه تنها به افزایش سرمایه‌گذاری منجر نخواهد شد، بلکه سرمایه موجود در اقتصاد را نیز از کشور خارج کرده و تولید را از آن سرمایه محروم می‌نماید.

۶- پیامدهای تعدیل ساختاری در این سه کشور نشان داد که برای رساندن کشورها به رشد و توسعه، نمی‌توان نسخه‌های واحدی را برای تمامی کشورها تجویز کرد؛ بلکه باید شرایط داخلی، محدودیت‌ها خاص کشورها، تنوع نهادی، ساختارهای اقتصادی و درجه توسعه یافتگی آنها را نیز در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ کرد.

<sup>8</sup> “The Crisis that Was Not Prevented: Lessons for Argentina, the IMF, and Globalisation”, p. 72, <http://fondad.org/publications/argentina.html>

## ۶) دلالت‌های پژوهش برای اقتصاد ایران

سیاست‌های تعدیل ساختاری در کشور های مختلفی اجرا شده است و تجربه حاصل از اجرای این سیاست‌ها همان‌گونه پیش روی بسیاری از کشور های در حال توسعه است. در ایران نیز این سیاست‌ها در طول سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵ اجرا شد و تجربه مشابهی نسبت به کشور های آمریکای لاتین بدست آمد. پس از آن نیز اگرچه نامی از تعدیل ساختاری در سیاست‌های دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی به میان نیامد، اما نگاه نتولیرالی در بسیاری از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور تا به امروز دیده می‌شود. بر همین اساس تجربه اجرای این سیاست‌ها در کشور های آمریکای لاتین و در ایران -دهه ۷۰- می‌تواند دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاران فعلی اقتصاد ایران داشته باشد:

- ۱- فرار سرمایه: در کشوری مانند ایران که به دلیل تحریم‌های مالی و نفتی، با کاهش درآمد‌ها و منابع ارزی از یکسو و نوسانات نرخ ارز از سوی دیگر روبروست، مدیریت منابع ارزی بسیار مهم است. بر اساس آمارهای بانک مرکزی، خالص تراز سرمایه کشور از سال ۱۳۹۴ تا سه ماهه اول ۱۳۹۷ -آخرین آمار- که در این زمینه در نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی موجود است - منفی بوده است.<sup>۸۳</sup> اگرچه منفی بودن تراز سرمایه به این معنا نیست که معادل همین تراز منفی، ارز از کشور خارج شده است، اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد به دلیل بی‌ثباتی در نظام ارزی، کاهش ارزش پول ملی، نرخ بهره بالای بانکی و سایر عوامل ساختاری و نهادی، در سال‌های اخیر شاهد خروج مقادیر قابل توجهی ارز از کشور هستیم که این امر به دلیل ایجاد محدودیت در طرف عرضه ارز، یکی از عوامل تشدید بحران‌های ارزی در کشور و تداوم بی‌ثباتی و نوسانات ارزی بوده است.
- از طرف دیگر صندوق بین‌المللی پول در برنامه تعدیل ساختاری بر کاهش موانع انتقال سرمایه و لغو کنترل سرمایه توسط دولت‌ها تأکید کرده است. بنابراین تجربه کشور های آمریکای لاتین در اجرای این سیاست و تجربه ایران در سال‌های اخیر نشان می‌دهد در شرایطی که کشور با فقدان سیاست‌گذاری مطلوب و مشکلات ساختاری -که زمینه ساز خروج سرمایه هستند- روبروست، هرگونه اقدام در جهت لغو کنترل سرمایه موجب افزایش فرار سرمایه از کشور و به دنبال آن کاهش سرمایه‌گذاری، تشدید رکود، تشدید بحران ارزی و تورم خواهد شد.

<sup>۸۳</sup> نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی [https://www.cbi.ir/category/EconomicTrends\\_fa.aspx](https://www.cbi.ir/category/EconomicTrends_fa.aspx)

۲- بدهی خارجی: همانطور که قبلاً نشان داده شد، یکی از مهمترین پیامدهای دریافت وام صندوق بین‌المللی پول و اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری، ایجاد یا افزایش بدهی‌های خارجی است. دور باطل دریافت وام از صندوق و انباشت بدهی‌های خارجی بلیه‌ای است که بسیاری از کشورهای بدهکار صندوق بدان گرفتار شده‌اند.

با توجه به تجربه اجرای سیاست تعدیل ساختاری در کشورهای آمریکای لاتین و رویکرد صندوق که گسترش صادرات و گسیل منابع مالی به سمت شرکت‌های صادراتی است، عمدتاً منابع حاصل از وام و منابع داخلی در شرکت‌های صادراتی انباشت می‌شوند. قسمتی از این منابع به علت کنترل زدایی و مقررات زدایی - که خود از جمله سیاست‌های تعدیل ساختاری است - این منابع از مسیر اصلی خود - گسترش صادرات - خارج می‌شود و زمینه برای خروج این منابع از کشور یا مفاصد اقتصادی فراهم می‌گردد. قسمت اندکی از این منابع که صرف گسترش صادرات می‌شود، بنا بر تأکید صندوق صرف صادرات کالاهایی می‌شود که یا جزو منابع معدنی هستند یا با ارزش افزوده پایینی تولید می‌شوند. در نتیجه وام‌های صندوق، بازدهی لازم را نداشته و در هنگام سررسید وام، دولت توان بازپرداخت اصل و سود وام‌ها را ندارد. در نتیجه یا دولت درخواست دریافت مجدد وام می‌کند - که در این صورت این چرخه تکرار می‌گردد - و یا با کمبود منابع ارزی، نرخ ارز افزایش یافته و بدنبال آن شاهد جهش تورمی و کاهش قدرت خرید و رفاه مردم خواهیم بود.

این روند پیش از این در ایران نیز تجربه شده بود. در دهه ۱۳۷۰ که دولت وقت از برخی نهادهای بین‌المللی وام دریافت کرده بود، در بازپرداخت آنها دچار مشکل شد و این امر موجب شد بدهی خارجی ایران در پایان دولت وقت به ۱۷,۷ میلیارد دلار افزایش یابد<sup>۸۴</sup> و در اثر کمبود منابع ارزی، نرخ ارز افزایش یابد و در نتیجه نرخ تورم به رقم ۴۹ درصد برسد.

این تجربه امروز در برابر سیاستگذاران ایرانی است. اگرچه میزان بدهی خارجی ایران همانکون کاهش یافته و به ۹ میلیارد دلار رسیده است<sup>۸۵</sup>، اما در شرایطی که زمینه‌های نهادی و ساختاری هدایت این اعتبار به سمت تولید داخلی فراهم نباشد - علی‌الخصوص تحت سیاست‌های تعدیل ساختاری که امکان کنترل و هدایت سرمایه را از دولت سلب می‌نماید - دریافت وام از صندوق و اجرای تعدیل ساختاری می‌تواند آغاز دومینویی باشد که موجب تشدید تورم، رکود، بیکاری، بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش رفاه جامعه گردد.

<sup>۸</sup> <https://www.khabaronline.ir/news/1250409>

<sup>۸</sup> <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/11/24/2202157>

۳- رفاه اجتماعی: یکی از سیاست‌های تعدیل ساختاری، کاهش هزینه‌های عمومی دولت و کاهش کسری بودجه به منظور سوق دادن منابع مالی کشور به سمت گسترش صادرات است. همانگونه که تجربه کشورهای مختلف در این پژوهش نشان داده است، این امر موجب افزایش شکاف طبقاتی و برهم خوردن توزیع منابع در کشور می‌گردد، افزایش هزینه فرصت بخش‌های غیر صادراتی کشور و رکود در آن بخش‌ها می‌گردد. از طرف دیگر کاهش هزینه‌های عمومی منجر به کاهش رفاه عمومی جامعه می‌شود.

در ایران نیز یکی از عواملی که در سال‌های اخیر موجب حفظ و افزایش قدرت خرید اقشار مختلف مردم به ویژه اقشار آسیب‌پذیر شده است، پرداخت یارانه؛ حمایت نهاد‌های حمایتی نظیر بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی، هزینه‌های دولت برای گسترش آموزش و پرورش، هزینه‌های دولت برای گسترش بهداشت عمومی، پرداختی‌های دولت به نظام تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی بوده است. یقیناً کاهش هزینه‌های اجتماعی در راستای سیاست‌های تعدیل ساختاری، به خصوص در ایران که به علت سیاستگذاری‌های غیر صحیح و مشکلات ساختاری در معرض بی‌ثباتی‌ها و نوسانات اقتصادی است، موجب کاهش رفاه اجتماعی و آسیب‌پذیرتر شدن اقشار کم‌درآمد در کشور خواهد شد. چیزی که پیش از این در کشورهای آمریکای لاتین تجربه شده بود.

۴- آزادسازی قیمت‌ها و کنترل زدایی: یکی از مؤلفه‌های سیاست‌های تعدیل ساختاری و عموماً مکتب نئولیبرالیسم، کنترل زدایی و آزادسازی قیمت‌هاست. بر اساس این سیاست هرگونه اقدام دولت برای پایین نگه داشتن قیمت‌ها از طرق مختلف - از جمله پرداخت یارانه، کنترل نرخ ارز، قیمت‌گذاری و ... - باید متوقف و تعیین قیمت به بازار سپرده شود. این سیاست که به شوک درمانی معروف است، در کشورهای مختلف موجب اختلال در نظام قیمت‌گذاری، افزایش شدید تورم و شکل‌گیری اعتراضات مردمی شده است. در ایران نیز سیاست‌های مشابه - نظیر کاهش یارانه بنزین در سال ۹۸ - دارای نتایج مشابه بوده‌اند.

به نظر می‌رسد مشکل اصلی این است که در مکتب نئولیبرالیسم با پدیده‌های اقتصادی برخورد صرفاً سیاستی شده است و تلاش شده است صرفاً با سیاست‌های قیمتی نتایج مدنظر بدست آید، بدون اینکه ریشه‌های تاریخی و فرهنگی و زمینه‌های نهادی و ساختاری مشکلات اقتصادی کشورهای مختلف مدنظر قرار گیرد و تأثیر آنها در تحقق هدف مطلوب لحاظ شود.<sup>۸۶</sup> فلذا در کشورهایی که سیاست‌های تعدیل ساختاری را اجرا نموده‌اند، نه تنها اهداف مطلوب محقق نشده‌اند، بلکه بر پیچیدگی شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز افزوده شده است.

<sup>۸۶</sup> مقدمه ای بر اقتصاد ایران، دکتر عباس شاکری، انتشارات رافع، چاپ اول ۱۳۹۵، ص ۳۸

بنابراین در ایران نیز اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری بدون توجه به زمینه‌های خاص نهادی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور و بدون حل مشکلات ساختاری و سیاستی که منشأ بی‌ثباتی‌ها و اختلال‌ها در زیر نظام‌های مختلف اقتصادی است، موجب تشدید بی‌ثباتی‌های اقتصادی خواهد شد.

## ۷) جمع بندی

با توجه به تجربه اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در کشورهای آمریکای لاتین و در مقاطعی در ایران، به نظر می‌رسد اجرای این سیاست‌ها در ایران به دو علت می‌تواند چالش‌آفرین باشد:

- ۱- صندوق بین‌المللی پول، سیاست‌های تعدیل ساختاری را بعنوان یک نسخه واحد برای تمامی کشورهای عموماً در حال توسعه تجویز کرده است و مقتضیات خاص هر یک از این کشورها به طور مجزا در این سیاست‌ها دیده نشده است و ایران نیز از این امر مستثنا نیست. در حالیکه تجویز نسخه سیاستی برای هر کشوری باید بر اساس شرایط خاص نظام اقتصادی آن کشور باشد.
- ۲- در سیاست‌های تعدیل ساختاری تلاش شده است اهداف مطلوب عمدتاً و صرفاً با سیاست‌گذاری قیمتی محقق شوند و زمینه‌های فرهنگی و مشکلات ساختاری اقتصاد کشورها -از جمله ایران- که جزو اصلی‌ترین موانع رشد و پیشرفت آنها بوده است، در این سیاست‌ها نادیده گرفته شده است. بنابراین اجرای این سیاست‌ها نه تنها موجب تحقق اهداف مدنظر نخواهد شد، بلکه راه را برای دستیابی به آنها دشوارتر خواهد کرد.

## ۸) فهرست منابع

کتاب و گزارشات به زبان فارسی:

- ۱- مجموعه مقالات "بحران مالی ۲۰۰۸"، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، گردآوری: محمد نعمتی، محمد سلیمانی، ۱۳۸۷
- ۲- مجموعه مقالات "جهانی کردن فقر و فلاکت"، گردآوری و ترجمه: دکتر احمد سیف، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۰
- ۳- دکترین شوک، تألیف: ناومی کلاین، ترجمه مهرداد (خلیل) شهابی، میر محمود نبوی، انتشارات کتاب آمه، ۱۳۸۹
- ۴- مقدمه ای بر اقتصاد ایران، تألیف: دکتر عباس شاکری، انتشارات رافع، چاپ اول ۱۳۹۵

پایگاه های اینترنتی به زبان فارسی:

- 1- <https://www.mizanonline.com/>
- 2- <https://www.donya-e-eqtasad.com/>
- 3- <https://www.isna.ir/>
- 4- <https://www.irna.ir/>
- 5- <https://www.eghtesadonline.com/>
- 6- <https://www.nasimonline.ir/>
- 7- <https://www.cbi.ir/>
- 8- <https://www.khabaronline.ir/>
- 9- <https://bourgeois.ir/>
- 10- <https://www.tasnimnews.com/>

کتاب و گزارشات به زبان انگلیسی

- 1- "Chile: An Overview", congressional research service, Updated January 2, 2020.  
<https://fas.org/sgp/crs/row/IF10880.pdf>
- 2- "The Great Unraveling: Argentina 1973–1991."  
<https://ucema.edu.ar/conferencias/download/Klaus1.pdf>
- 3- "Culture and Social Resistance to Reform: A theory about the endogeneity of public beliefs with an application to the case of Argentina".  
<https://ucema.edu.ar/publicaciones/download/documentos/275.pdf>
- 4- "The Crisis that Was Not Prevented: Lessons for Argentina, the IMF, and Globalisation".

<http://fondad.org/publications/argentina.html>

5- Dennis M. Hanratty (1991). Ecuador : a country study. Library of Congress Federal Research Division.

6- "Political Instability and Economic Growth in Ecuador, An empirical analysis".

[https://www.researchgate.net/publication/330401680\\_Political\\_instability\\_and\\_Economic\\_growth\\_in\\_Ecuador](https://www.researchgate.net/publication/330401680_Political_instability_and_Economic_growth_in_Ecuador)

پایگاه های اینترنتی به زبان انگلیسی

- 1- <https://www.imf.org/>
- 2- <http://juventudperonista.obolog.es/>
- 3- <http://www.todo-argentina.net/>
- 4- <https://www.pagina12.com.ar/>
- 5- <http://www1.hcdn.gov.ar/>
- 6- <http://www.pbs.org/>
- 7- <https://data.worldbank.org/>
- 8- <http://www.pbs.org/>
- 9- <http://docubib.uc3m.es/>
- 10- <https://www.britannica.com/>
- 11- <http://www.fondad.org/>
- 12- <https://www.britannica.com/>
- 13- <https://www.everycrsreport.com/>
- 14- <https://expansion.mx/>
- 15- <https://www.ft.com/>
- 16- <https://papers.ssrn.com/>
- 17- <https://www.opendemocracy.net/>
- 18- <https://www.theguardian.com/>
- 19- <http://www.europe-solidaire.org/>
- 20- <http://www.24ecuador.com/>

مصاحبه ها

۱- مصاحبه با آقای امیر حسینی، کارشناس مسائل اقتصادی و عضو اندیشکده یقین.

۲- مصاحبه با آقای رهجو، کارشناس مسائل اقتصادی و مسئول اندیشکده شاخص.